

پرسش ها و پاسخ های قابل بحث (بخش چهارم)	صفحه ۱۸	در جنبش جهانی کمونیستی	صفحه ۱۸	۱۱ صفحه ... در شرایط قمر مز به خارج	صفحه ۱۲	آمار تکان دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران	صفحه ۱۲	چون نیک نظر کرد	صفحه ۱۲
---	---------	------------------------	---------	-------------------------------------	---------	---	---------	-----------------	---------

انقلاب اکتبر هنوز هم زنده است

از تحارب مثبت آن بیاموزیم!

۹۹ سال از پیروزی انقلاب کبیرا کتبری گذرد که دستاوردهای آن چون لولو درخشانی چشم نابینایان را به عذاب میکشاند که از قدیم گفته اند: "چشم نابینا نبیند روی معنا را به خواب چون که در هر کان در و در هر صدف درانه نیست!" این انقلاب بزرگ ترین تجربه و تاثیر را در حرکت جهان گرفتار نظام امپریالیستی و کشت و کشتار تبدیل کشورهای جهان به مستعمره و یا نیمه مستعمره و کلا قرار گرفته در زیر حیطه ی نفوذ امپریالیستی بود که شکاف عمیقی ایجاد کرد و کارگران جهان صاحب دولت خود در یک پنجم کره زمین شدند و بدین ترتیب تقسیم جهان به دو قطب استثمارگر و ستمگرو مالک وسایل تولید اقلیتی از مردم و اکثریت تولیدکننده بدون وسایل تولید بقیه در صفحه پنجم

سونامی اخراج سازیه و ضرورت مقابله با آن!

درجه نمی به نام جمهوری اسلامی ایران نه تنها فقر عظیمی را به طبقه کارگر سرمایه داران تحمیل کرده اند به طوری که در حد متوسط ۴ تا ۵ اعتصاب روزانه توسط کارگران صورت می گیرد؛ ولی در این میان بهانه ی اخراج سازیه را نیز این سرمایه داران به طور روزانه پیش می برند. در زیر به طور ناقصی بخشی از این اخراج سازیه را آورده و ضرورت مقابله با این عمل پلید فقر را که هم اکنون در محلهای کار تا حد خودکشی کارگران شاهدیم، در سطحی وسیعتر مشاهده خواهیم کرد. امری که ایجاب می کند تا از طریق اعتراضات و وارد آوردن فشار جهانی مانع از بروز این فجایع جان گذاز بشویم:

بی توجهی به تولیدات داخلی یکی از مشکلاتی است که بقیه در صفحه پنجم

معمای با جواب، اما ظاهرا بی جواب. چرا؟!!

قادر به پیدا کردن راه حل منطقی نشده و به کارنگرفتن اطلاعات ماتریالیسم دیالکتیکی را در مورد داده های موجود و روابط بین آنها بنا به روش "جدا کردن کاه از گندم، حذف آنچه که نادرست است و حفظ آنچه که درست است، حرکت و نفوذ از یکی به دیگری و از برون به درون، و بدین ترتیب بوجود آوردن سیستمی از مفاهیم و تئوریه ها" یعنی جهشی از شناخت حسی به شناخت تعقلی (مانو - دریاچه پراتیک، جلد ۱ آثار منتخب، ص ۴۶۴، ژوئیه ۱۹۳۷) به نتیجه ای منطقی نمیرسند.

۱- "امروزه همه از اهمیت اتحاد و از لزوم "جمع و متشکل کردن" سخن میرانند ولی در اکثر موارد درست در نظر خود مجسم نمی کنند که از چه باید شروع کرد و چگونه باید امر اتحاد را اجرا نمود و لابد همه تصدیق خواهند نمود که اگر بقیه در صفحه دوم

در پالتالک ۲۷ سپتامبر ترتیب داده شده توسط رفقای تجمع "قدم اول" تدارک تشکیل حزب، تلاش تعداد زیادی از شرکت کننده گان در این اجلاس به جای تاکید بر ضرورت و مبرمیت ایجاد حزب و ارائه ی پیشنهادات مثبت در این جهت، به جز تعداد اندکی، بقیه پیشنهادات و کلاف سردرگمی را در این مورد ارائه داده و برخی با ادعای اینکه باید ۵۰ صفحه آخر "چه باید کرد؟" لنین را دقیقاً خواند دال بر این که شما امروزه آماده گی لازم را نداشته و بدین معنا ایجاد حزب در شرایط کنونی را تلاشی عبث ارزیابی نمودند!!

آنچه که ما با رجوع در ۶۰ صفحه ی آخر "چه باید کرد؟" یافتیم که به درد بحث کنونی ما می خورد چیزی در نفی حرکتان نیافتیم: کلا این خصلت روشنفکران خرده بورژوا است که به دلیل عدم بررسی و تحقیق علمی در اغتشاش فکری به سر برده و

پیروزی مبارزات برحق معلمان ایران

ازادی معلمان زندانی، لغو احکام قضایی معلم فریاد می کند، رسانه سانسور می کند ترمیم و اصلاح حقوق و دستمزدها هماهنگ با سایر کارکنان دولت

حسابرسی دقیق ترو نظارت بیشتر بر صندوق ذخیره فرهنگیان و آزادی معلمان زندانی و تازه آزاد شده: آقایان محمود بهشتی لنگرودی، علیرضا هاشمی، اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی، رسول بدایق (بدون يك روز مرخصی بعد از اتمام شش سال حبس ۳ سال حبس دیگر نیز به او داده اند)، ارژنگ داوودی، عبدالرضا قنیری، محمد امین آگوشی، مهدی فتاحی شاندریز ... در سطح کردستان و گیلان) و معلمان آزاد شده (آقایان سید محمود باقری بعد از ۴ سال و مهدی بهلولی و محمد رضا نیک نژاد با وثیقه ی سید میلیونی موقتاً آزاد) بقیه در صفحه چهارم

در شرایطی که صدای حق طلبانه ی معلمان زحمت کش در تجمعات سراسری شان در سال گذشته بی جواب مانده و سردمداران رژیم منحوس و مستبد جمهوری اسلامی پنبه درگوش کرده و به خواستهای حق طلبانه ی معلمان جواب نداده و با رفتاری فاشیستی دست به سرکوب و زندانی کردن تعداد قابل ملاحظه ای از معلمان زده اند، معلمان تصمیم گرفته اند دست از مبارزه نکشیده و پنجشنبه ۱۶ مهر از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در تهران و مراکز استانها به جای ۱۳ مهر روز جهانی معلمان دست از کار بکشند. شعارهای زیر بخشی از خواستهای فراموش شده عمده رژیم جمهوری اسلامی ایران را نشان می دهند:

از جمله ی شعارها:

معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است سکوت ما از رضایت نیست.

معمای باجواب، ...
بقیه از صفحه اول

ما بخواهیم محفلهای جداگانه - مثلا محفلهای نواحی - یک شهر را "متحد نماییم" برای این کار موسسات عمومی لازم خواهد شد، یعنی نه تنها عنوان عمومی "اتحاد" بلکه کار واقعا عمومی، مبادله اطلاعات و تجربه و نیرو و تقسیم وظایف نه تنها برحسب نواحی بلکه برحسب تخصص برای فعالیت در تمام شهر لازم خواهد شد... و در چنین عرصه ی تنگی استعداد یک نفر متخصص پروبال نخواهد گرفت. همین نکته شامل اتحاد شهرهای مختلف نیز میباشد. زیرا چنانچه از تاریخ جنبش سوسیال دموکراتیک مامعلوم میشود و معلوم هم شده است در عرصه ای نظیر محل جداگانه و منفرد بسی محدود است: ما در فوق این نکته راهم از روی مثال تبلیغات سیاسی و هم کار تشکیلاتی بطور مبسوط ثابت نموده ایم؛ باید و حتما باید قبل از هر چیز باید این عرصه را توسعه داد. باید بین شهرها بر روی زمینه کار عمومی منظم یک رابطه ی واقعی برقرار نمود. زیرا پراکندگی، افرادی را که "گوئی در ته چاه نشسته اند" (این اصطلاح نویسنده ی یکی از نامه ها به "ایسکرا" است) و نمیدانند در روی زمین چه روی میدهد و از که باید تعلیم بگیرند و چگونه برای خویش تجربه بدست آورند. چگونه آرزوی خود را برای یک فعالیت وسیع برآورده کنند - شدیداً تحت فشار قرار میدهد و من باز هم به اصرار خود ادامه میدهم که این رابطه واقعی را فقط براساس یک روزنامه عمومی میتوان آغاز کرد که به منزله ی یگانه موسسه عمومی منظم روس باشد و نتایج انواع کاملاً گوناگون فعالیت را جمع بندی نماید و بدین طریق افرادی را تکان بدهد تا بطور خستگی ناپذیری در تمام راههای بیشماری که هم‌اکنون همه ی راهها به رم منتهی میشوند، همه ی آنها نیز به سر منزل انقلاب منتهی میگردند، پیشروی نمایند. اگر ما اتحاد را فقط در گفتار نمیخواهیم در این صورت لازم است که هر محفل محلی فوراً یک چهارم قوای خود را برای فعالیت در کار عمومی اختصاص دهد و در این قسمت روزنامه بی درنگ منظره ی عمومی یعنی وسعت و ماهیت کار را به آن نشان خواهد داد. روزنامه نشان خواهد داد که چه کمبودهایی در فعالیت عمومی روس بیشتر از همه محسوس است، کجا تبلیغات نمیشود، در کجا رابطه ای ضعیف است و محفل مذکور کدام یک از چرخهای کوچک این مکانیسم عظیم عمومی رامیتواند تعمیر یا

بجای آن چرخ بهتری بگذارد. ... تنها وظیفه ی توزیع روزنامه بخودی خود میتواند یک رابطه ی واقعی ایجاد کند (اگر این روزنامه لایق داشتن نام روزنامه باشد. یعنی اگر انتشارش مرتب باشد و مانند مجلات قطور نباشد... ۴۰ بار در ماه منتشر شود)... مبادله ی تجربه، اطلاعات نیرو و وسایل را نیز تامین خواهند نمود. آنوقت دامنه ی کارهای تشکیلاتی یکمرتبه چندین برابر وسیعتر خواهد شد" در این نقل قول لنین به روشنی به دنبال بهانه تراشی نیست و در صورت وحدت روی اصول و نکات اساسی برنامه و تاکتیک می توان به ایجاد روزنامه سراسری در ایران اقدام نمود. به خصوص این که اگر در گذشته سازماندهی رساندن روزنامه به داخل امر مهمی بود که از جمله اسدالله غفارزاده کارگر کمونیست ایران بردن روزنامه ایسکرا منتشر شده در اروپا را از طریق آذربایجان ایران به آذربایجان شوروی این مسئولیت مهم را به عهده گرفته و به هنگام انتقال از مرز ایران به روسیه توسط پلیس مرز تزاری دستگیر شده و جان خود را از دست داد. اما اکنون به برکت وجود اطلاعات اینترنتی میتوان به راحتی رساندن روزنامه به داخل را فراهم نمود و این سازماندهی مشکلش حل شده برای ما در ایران است. بنابراین اولین حکم ایجاد روزنامه واحد سراسری و توزیع آن در داخل در صورت حل هیئت تحریریه مشکلی ندارد.

۲- لنین فایده این روزنامه واحد کمونیستی را با چنین روشنی تمام توضیح می دهد: " محفلی که هنوز به کار مشغول نشده و فقط در جست و جوی کار است حالا دیگر این امکان برایش وجود دارد که مانند یک پیشه ور خرده کاری که در کارگاه دستی کوچک منفردی نشسته و نه از تکامل "صنایع" پیشین، و نه از چگونگی وضع عمومی طرز تولید صنایع موجوده ای از هیچیک با اطلاع نیست کار خود را شروع نکرده بلکه مانند شرکت کننده در یک موسسه ی وسیعی شروع میکند که تمام هجوم انقلاب عمومی بر ضد حکومت مطلقه را منعکس میسازد. و هر قدر که هریک از این چرخهای کوچک کاملتر سوهانکاری شده باشد، هر قدر که عده ی کارکنان متخصص جزء برای کارهای عمومی فزونتر باشند، همانقدر هم شبکه ی ما وسیع تر خواهد شد و همانقدر عدم موفقیت های اجتناب ناپذیر، آشفتگی کمتری در صفوف عمومی تولید خواهد کرد. تنها وظیفه ی توزیع روزنامه به خودی خود میتواند یک رابطه ی واقعی ایجاد کند." در این نکته دوم لنین ماتریالیسم را با تکیه

به تبدیل کمیت به کیفیت به وضوح توضیح داده و چون هدفش رساندن مبارزه طبقاتی به پیروزی واقعی و سریع است ایجاد روزنامه سراسری را به نیروهای متفرق چپ توصیه میکند. در ایران توزیع نشریه سراسری مسئله نیست بلکه حضور نیروهای چپ در محفلهای مختلف است که می تواند رابطه با مردم را ملموستر و مستحکم تر نماید. که البته ما در ایران در این زمینه با کمبودی جدی روبه روهستیم ولی وقتی که این ماشین وحدت دهنده به حرکت بیافتد این کمبود سریعاً برطرف خواهد شد لنین آنگاه اضافه میکند که " هرگاه محقیقتاً به این مقصد نایل میگردیدیم که تمام و یا اکثریت عمده ی کمیته های محلی و گروهها و محفلهای محلی مجدانه اقدام به کار عمومی بنمایند، آنوقت ما میتوانستیم در آینده ی بسیار نزدیکی یک روزنامه ی هفتگی بیرون بدهیم که مرتباً با تیراژ دهها هزار شماره در تمام روسیه منتشر گردد. این روزنامه حکم یک قسمت کوچکی از آن دم عظیم آهنگری را پیدا میکرد و هر جرقه ی مبارزه ی طبقاتی و خشم مردم را به یک حریق عمومی مبدل مینمود... آنوقت از پله ها و چوب بستهای این ساختمان تشکیلاتی به زودی از بین انقلابیون ما ژلیانهای سوسیال دموکرات و از بین کارگران ما ببل های روس بالا رفته جلوه گری مینمودند و در راس ارتش بسیج شده ای قرار می گرفتند و تمام مردم را بر میانگیختند تا با ننگ روسیه تسویه حساب کنند.

این است آن چیزی که باید آرزو نمود." اگر شش طبقاتی چپهای ایران به حدی تیز بود که همین نکته ۲ را به اجرا در می آوردند، انقلاب پرولتری ایران وجه دیگری به خود می گرفت و تمامی امکانات برای حرکت به سوی پیروزی مهیا می شد. ۳- "بدین طریق ما به آخرین نظریه ای رسیدیم که ما را وادار میکند به ویژه بر سر نقشه ی ایجاد سازمانی در پیرامون روزنامه ی سراسر روسیه از طریق کار مشترک در این روزنامه ی عمومی پافشاری کنیم. فقط یک چنین سازمانی است که قابلیت انعطاف لازم برای یک سازمان پیکارجوی سوسیال دموکراتیک یا به عبارت دیگر استعداد هماهنگی فوری با شرایط کاملاً گوناگون و سریع تغییر مبارزه را تامین خواهد نمود و توانائی خواهد داد که از "یک طرف از جنگ آشکار با دشمنی که از لحاظ نیرو تفوق کامل داشته و تمام قوای خود را در یک نقطه جمع نموده است اجتناب گردد و از طرف دیگر از عدم چالاکي این دشمن استفاده شود

معما تراشی بدون پایه مادی پرولتاریائی نیست



و در آنجا و در آن لحظه ای که از همه کمتر انتظار میرود به وی حمله گردد." و یا " درحقیقت هم یکی از ناکامیهای کاملی را که وقوع آن برای ما یک امر بسیار عادی است در یک یا چند محفل در نظر بگیرید. در صورتی که کلیه ی سازمانهای محلی یک کار عمومی منظم و واحد نداشته باشند این ناکامیها اغلب با قطع کاربرای مدت چندین ماه توأم میشوند. ولی در صورت وجود یک کار عمومی برای همه - ... این محافل جدید با سرعت باز هم بیشتری به وجود آمده با آنها رابطه ایجاد نمایند."

به دیگر سخن چنین مناسباتی باعث توقف کار تشکیلاتی نشده و با ضربه ی دشمن تشکیلات نابود نمی شود. و در نهایت لنین در پایان "چه باید کرد؟" چنین جمع بندی میکند: "مختصر آن که" نقشه تاسیس یک روزنامه برای سراسر روسیه نه تنها شرط کار کابینه نشینانی نیست که به آئین پرستی خشک و مطبوعات بازی مبتلا شده اند (به طوری که به نظر برخی اشخاص که در این خصوص درست فکر نکرده بودند، رسیده است) بلکه برعکس عالی ترین نقشه ای است برای اینکه بتوان قیام را از همه طرف آغاز نمود و خود را برای آن آماده ساخت. و در عین حال حتی برای یک دقیقه هم کار حیاتی روزمره خود را فراموش ننمود."

حال باتوجه به این توضیحات و اثبات گریهای مفصل در مورد حل معضل ایجاد تشکل واحد کمونیستی با توجه به معضلات مشخصی که به علت رسوخ نظریات رویزیونیستی در جهان دست به اخلاص گری جهانی زده و تفرقه و تشتت را به جنبش کمونیستی تحمیل نموده است باید از خود سؤال کنیم که چه عاملی در این پراکنده ماندن اصرار ورزیده و بدین ترتیب با اخلاص در امر کار انقلابی مانع پیشروی متحدان و با صلابت جنبش کارگری می گردد؟

جواب روشن است: در تاریخ جنبش کارگری ایران در دوره های مختلف اپورتونیزم راست و چپ که محصول نفوذ خرده بورژوازی در این جنبش است در ابتدا حزب کمونیست را از داشتن خط درست به ماجراجویی کشاند و با شکست حزب کمونیست از نیروهای فئودال - بورژوائی حاکم رو به تجزیه و تشتت و نهایتا سرکوب گذاشت (۱۳۱۰). دوره دوم که مصادف است با ورود نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم در ابتدا (۱۳۲۰) خط اپورتونیستی راست و چپ به طور نوسانی در سالهای بعد این حزب نیرومند را به شکست سازمانی و در نهایت گرایش به رویزیونیسم مدرن و سرکوب دیگر به رهبری

خارج نشینی محکوم ساخت (۱۳۳۲) و این حزب کیفیت کمونیستی را نیافت. به دلیل راست رویهای این حزب در دهه ی ۱۳۴۰ در شرایطی که مبارزه بین خط پرولتری و خط رویزیونیستی در سطح جهانی اوج گرفته بود، جانب رویزیونیسم مدرن را رهبری حزب توده گرفت و تنها نیروی اندکی در خارج از کشور امر ایجاد حزب کمونیست ضد رویزیونیستی را در برنامه خود قرارداد (سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور (۱۳۴۳) و سازمان توفان) و در ایران خط اپورتونیستی چپ به دنبال پرداختن گناهان اپورتونیزم راست رهبری حزب توده ایران رفت و به مانعی در ایجاد حزب کمونیست ایران تبدیل شد. و نهایتا در نیمه دوم ۱۳۵۰ و سرنگون شدن رژیم سلطنتی محمد زشاه، ضربه ی مهلکی را در دهه ی ۱۳۶۰ بر تشکلهای متعدد چپ وارد نمود و در کردستان نیروهای چپ کرد با جناح اندکی از طرفداران خط مشی شبه تروتسکیستی متحد شده و این نیروی کوچک توانست در جنبش دموکراتیک کردستان نقش رهبری را به دست آورده (۱۳۵۹) و خود را حزب کمونیست بدون پیوند فشرده با طبقه کارگر اعلام دارد.

بدین ترتیب تفرقه در جنبش چپ ادامه یافته و ایجاد حزب کمونیست به تاخیر افتاده و پیوند نیروهای چپ با جنبش طبقه کارگر استواری مداومی نیافت و سرکوب وحشیانه ی نیروهای چپ ضربه را متحمل شد. اکنون به برکت رشد مبارزات کارگری زمینه برای شکل گیری تشکل کمونیستی مساعد شده و رهبران تراز اول جنبش کارگری ضمن رد فرقه گرائی از بیغوله های زندان جمهوری اسلامی وحشی حکم ایجاد وحدت بین نیروهای چپ را تبلیغ نموده و شاهرخ زمانی چه بسا جان خود را در تبلیغ این خط درست تعیین کننده، در زندان از دست داد. در فرصت کوتاهی که در تجمع پیروان زنده یاد رفیق شاهرخ زمانی مدافعان وی برگزار کردند نکات زیر توسط ر. ک. ابراهیم بیان گشت و تشتت نظری خرده بورژوائی باعث شد تا به دعوت ر. زمانی جواب شایسته ای در این تجمع داده نشود:

باز هم در مورد ضرورت مبرم ایجاد حزب پیشرو کمونیست!

در دو هفته اخیر جنبش پیشرو کارگری ایران با از دست دادن رهبر کمونیست و انقلابی مقاوم و تسلیم ناپذیرشان ضربه ای سخت خورد. تشییع جنازه زنده یاد رفیق شاهرخ زمانی، با شرکت کارگران

از مناطق مختلف ایران در تبریز و دادن شعار بر سر مزار شاهرخ مبنی بر " شاهرخ زمانی، معلم ماست، راه شاهرخ راه ماست" نشان دادند که طبقه کارگر ایران طرح نوئی در مورد ساختن حزب پیشرو طبقه کارگر دارد که بیگانه از گروه گرائی لعنتی است که چون اختاپوس سمجی بر روی جنبش چپ افتاده که امروز چیزی که کم ندارد ادعای تعدادی از نیروهای چپ است که خود را حزب کمونیست بهترین نامیده و با رد دیگر تشکلهای چپ قدم در راه پایان دادن به تشتت فکری و سازمانی بر نمی دارند و در تفرقه زیستن و ناتوانی این جنبش نقش موثری دارند. در حالی که کارگران در عمل حق را به نظر شاهرخ دادند.

اما جالبتر از همه این که اکثر نیروهای چپ به محکوم کردن قتل عمد زمانی توسط رژیم جمهوری اسلامی پرداختند و تظاهرات علیه این رژیم را سازمان دادند.

ولی در اینجا نیز ضمن تشکر از این نیروها یادآوری این نکته ضروری است که اگر این نیروها همانطور که کارگران ایران اعلام داشتند، شاهرخ را معلم خود می دانند، اینان نیز در صورت هم نوائی با کارگران ایران هستند آن وقت این سؤال مطرح می شود که این چه گونه معلمی است که راه او را در مورد ایجاد حزب نرفته و با وجود این از وی حمایت می کنند؟ آیا قصد بر این است که در این حرکت در میان جنبش کارگری این نیروها منفرد نشده و با اعلام همبستگی، برخی از کارگران را به سوی خود بکشند؟ چنین اندیشه ای به غایت خام و فرصت طلبانه و از موضع خرده بورژوائی می تواند باشد و اگر نه آنها صادقانه به دفاع از شاهرخ پرداخته اند در این صورت ما از این دوستان منحرف می خواهیم تا دودوزه بازی را کنار گذاشته و رهنمودهای آن عزیز جان بخته را به عمل در آورده و از هم اکنون سر بلندانه در راهی که شاهرخ جان باخت قدم گذاشته و نقطه پایانی به بخت فرقه گرائی گذاشته و با همراه شدن با حرکت ایجاد حزب واحد کمونیست جنبش کارگری را وارد صحنه ی نو مبارزه طبقاتی نیرومندی بنمایند. فراموش نکنیم که لنین کبیر پس از ایجاد حزب کارگری سوسیال دموکرات و انشعاب منشویکها نیز هیچگاه از وحدت طبقه کارگر که اهمیت بیشتری از طرز کار فرقه ای دارد که بیگانه به اصول کمونیسم و عمل کارگران می باشد دست برنداشت و به منم منم کردنهای تشکلهای مختلف موجود نپرداخت.. برخی معتقدند باید سیاست "آهسته بیا،

آهسته برو که گربه چنگت زند!" را بانبروهای چپ موجود به کارگرفت تا آنها نرنجند. ولی درمبارزه طبقاتی درصورتی پیشروی حاصل می شود که ازمبارزه رادیکال طبقاتی عینی پیروی کرده و این مبارزه را در سطح نظری در حیطه ی روانی و سبک کاری محصور نباید کرد و باصراحت اعلام نمود. ضمن اینکه به این مقولات هم به مثابه عوامل فرعی باید توجه داشت.

درتاریخ ایران و با توجه به وضعیت موجود زمان خود متفکران نظرات مشابه قاطعی را سروده اند: مولوی می گوید: حیلث رهاکن عاشقا پروانه شو، پروانه شو. یا خویش را دیوانه کن یا خانه را ویرانه کن؛ آنگه بیا با عاشقان هم خانه شو، هم خانه شو و در جریان انقلاب مشروطه دهخدا می نویسد: ای مردم آزاده کجائید، کجائید آزاده گی افسرد بیانید، بیانید. مانا که دراین زاویه خانه حریقی است هان جنبشی از خویش که ازاهل سرانید! با چنین روحیه ی همدیکر را دوست داشتن و از روی اصول متحدشدن و دراین راستا به انتقاد ازهم پرداختن جای گله ندارد. آن وقت این سؤال مطرح می شود که تمام جریاناتی که ادعای رهبری پرولتاریا را به نفع خود ضبط کرده اند، کدام پیروزی درخشانی را به نفع طبقه کارگر فراهم ساخته اند که امروز اینهمه سرسختانه به تشکل خودی چسبیده و باتمام توان خود درحفظ فرقه گرایی نقش مهمی به عهده گرفته اند؟ آنها هرگز به این سؤال جوابی قانع کننده نخواهند داشت و تا آنجا که ممکن باشد به ایجاد سکوت قبرستانی درعرصه ی ایده ئولوژیک توجه نموده و درنتیجه به تداوم اغتشاش نظری و سازمانی دردرون جنبش کارگری دامن خواهند زد. کمالینکه بعداز تشکل "حزب کمونیست ایران" بزرگ ترین دست آورد اینان انشعابگری و ایجاد احزاب و تشکلهای مختلفی است که همه ی آنها داعیه رهبری طبقه کارگر را دارند و به قول معروف درمبارزه جدی طبقاتی دست به "خالی بندی زده اند!"

پیشنهادما به کلیه نیروهای جنبش کمونیستی این است که بیانید راهی را که پیشروان جان باخته آگاه و کمونیستی کارگری و مشخصا شاهرخ زمانی درپیش روی ما قرار داده اند به طرزی اصولی دست در دست همدیگر داده و چنان تشکل نیرومندی درپیوند فشرده با جنبش کارگری درایران بسازیم که شایسته ادعای پیشرو طبقه کارگر را داشته و حرکت مبارزاتی کارگری را از جانب دفاعی درآورده و به قلعه ی پوشالی حاکمان

که با چسبیدن به دژپوسیده مذهبی هزاران سال به باقی ماندن خود درقدرت پای می فشارند یورش ببریم. طی راه به این رفقا خواهیم گفت اگر مایل به حرکتی اصولی و کارگری هستید طبق دستورالعملهائی حرکت کنیم که اصول کمونیسم علمی پیش نهاده و باموفقیت همراه شده اند. و اگر به این پیشنهاد ما توجهی نکنید این معنایی جز عدول از رد تئوری کمونیسم علمی نبوده و به قول معروف به: "این ره که تو میروی به ترکستان است" شباهت یافته و باتداوم فرقه گرایی موفقیت درکسب قدرت درایران هرگز بدست نخواهد آمد.

ک. ابراهیم -
۲ سپتامبر ۱۳۹۴



پیروز باد مبارزات...

بقیه از صفحه اول

ویاران معلمان(اقای عبد الفتاح سلطانی وکیل افتخاری معلمان واقای میلاد درویش مستند ساز ویاور تشکلهای صنفی فرهنگیان که اخیرا با وثیقه آزاد شده اند.) تشکلهای صنفی معلمان وفعالان معلم هنوز در زندانها باقی مانده اند.

خواست معلمان دریک کلام عبارت است از عدم دخالت دین درامور تحصیلی مدارس، اربین بردن تمایز گذاری به ضرر معلمان در قوانین استخدام کارمندان دولت و برقرارشدن آزادی و از میان برداشتن سانسور، عدم دخالت دین در برنامه تدریسی و احترام به حقوق معلمان به مثابه آموزش دهنده ی میلیونها دانش آموز افزایش حقوق بخور و نمیر معلمان برای ممانعت از شرکت معلمان در کارهائی نظیر تاکسی رانی بعد از تدریس به قدری حق طلبانه اند که فقط دولتهائی بادید فاشیستی و مذهبی عقب مانده حاضر می شوند درکمال خونسردی این خواستها را نادیده گرفته و معلمان را به زندان بفرستند تا به دانش آموزان نشان دهند که اگر آنها بعداز اتمام تحصیل دست به اعتراض آنچنانی بزنند، سرنوشتی غیر از این خواهند داشت! لذا روبات سازی و شستشوی مغزی و تبدیل دانش آموزان به نوکران سرسپرده رژیم هدفی است که به معلمان تحمیل شده است.

دفاع از مبارزات سراسری معلمان، توسط کارگران، زنان، دانشجویان، دانش آموزان و دیگرانسانهای آزادی خواه وظیفه ای است انسانی و مترقی و هشدار به رژیمی که تاکنون پنبه درگوش نموده بفهماند که با

سرکوب این مبارزات حق طلبانه در تحکیم خفقان درسر اسرکشور موفق نخواهند شدند. درشرایط فشار اقتصادی شدید به معلمان این مبارزه سر ایستادن نداشته و تا گرفته شدن این خواستها بدون تردید ادامه خواهد یافت و باتوجه به موقعیت جهانی معلمان رژیم بی آبروتر از همیشه تسلیم خواهدشد. "وقت ضرورت چونباشدگریز دست بگیرد لب شمشیر تیز". چنین است حکم تاریخی مبارزه برای گرفتن حق

حزب رنجبران ایران خواستار مبارزات حق طلبانه و قاطعانه ی معلمان در سراسرکشور به صورت متحد ویک پارچه به مثابه نمونه ی دموکراتیک و پیشرو بوده. و به این اعتبار به دفاع از مبارزات توده ای مترقی و ضد ارتجاعی معلمان برمی خیزد

زنده باد مبارزات معلمان در گرفتن حقوق پامال شده شان!

مرگ بر رژیم ضد علم جمهوری اسلامی ایران! مستحکمتر باد پیوند مبارزاتی معلمان با کارگران و زحمت کشان و زنان ایران!

حزب رنجبران ایران
۱۵ مهر ۱۳۹۵



با قدردانی از کمکهای مالی رفقا و دوستان به حزب ذکر این نکته را ضروری می دانیم که تکیه ی حزب به اعضا و وتوده ها در پیشبرد مبارزه طبقاتی، روشی انقلابی و پرولتاریائی است درحفظ استقلال سازمانی و جدا نشدن از طبقه کارگر و توده ها

مستحکمتر باد پیوند معلمان متحد با کارگران



انقلاب اکتبر هنوز هم زنده است... بقیه از صفحه اول

برعکس و برابر شد و در یک کلام قطب صاحبان ثروت و قطب بی چیزان از روی زمین رخت بربست و در جهان بی چیزان امید کسب حق و حقوق پامال شده ی آنان را اعلام نمود. اینکه کارگران به قدرت دولتی دست یافتند؛ اینکه کارگران صاحب خانه شدند؛ اینکه فرزندان آنها مجانی توانستند درس بخوانند و از قعر عقب مانده گی قرون و اعصاری نجات یابند؛ اینکه زنان از ظلم برده گی و تحقیر نجات یافته و حق برابر بامردان در کارمسای به عنوان انسان دست یافتند و حق شرکت در انتخابات را یافتند؛ اینکه تمام اهالی به طور مجانی در بیمارستانها معالجه شدند؛ اینکه دهقانان از استبداد فئودالی رهائی یافته و کار درمزارع به خودشان و نه اربابان تعلق یافت؛ اینکه صاحبان کارخانه ها از مالکیت خلع ید شده و ثروتهایشان تعلق به عموم مردم گردید؛ اینکه ملل ساکن شوروی حق تعیین سرنوشت یافتند؛ اینکه بیکاری منهدم شد و کشور ویران شده توانست در مدت کوتاهی نابه سامانیهای ناشی از جنگ امپریالیستی اول را از میان بردارد و گرفتار جنگ جهانی دوم امپریالیستها شده و فاشیسم وحشی تا دندان مسلح آلمان و ایتالیا و ژاپن را که بیش از ۱۰۰ میلیون مردم جهان را نابود کردند، در جنگی قهرمانانه شکست بدهند و کودکان کارگر و دهقان توانستند در راس دولت قرار بگیرند و... برای هرانسان منصف نه تنها آموزنده بلکه باعث افتخار و مباهات است. اما این روزها کسانی که قادر نشده اند یک تشکل کوچکی را متحد کرده و در ایران کمک به رهائی مردم از زیر ظلم و ستم نظام استبدادی ولایت فقیه بکنند، تبلیغ علیه انقلاب اکتبر و رهبر کبیر آن لنین را شروع کرده اند آن هم تنها به بهانه ی این که انقلاب روسیه بعد از ۳۶ سال حرکت پیروزمندانه در اثر ضدیت جهان امپریالیستی و ناتوانی ملل کشورهای جهان در مبارزه با امپریالیسم - بجز در چین و کره شمالی و غیره - انقلاب را سازمان دهند این حضرات "نقاد" به جای نقد این ناتوانیها حمله را به انقلاب اکتبر و رهبر عالیقدر آن لنین تحت این که به دلیل موفق نشدن انقلاب دلیلی در آموزش از تجربه آن باقی نمیماند؟! را در بوق و کرنای خود می دمند! در این ادعا کوچکترین برخورد ماتریالیستی - دیالکتیکی به تجارب تاریخی وجود ندارد. دستاوردهائی که در بالا

ذکر کردیم هنوز هم حتا در پیش رفته ترین کشورهای مورد قبول این حضرات پرمدها وجود ندارد. هنوز مردم جهان برای تحقق خواستهائی که در انقلاب اکتبر تحقق یافتند مبارزه می کنند. امری که نشان می دهد آن دستاوردهای پرولتاریا هنوز کهنه نشده و به قوت خود باقی هستند.

در پس این ادعاها نه خواست رسیدن به مدارج بالاتر از خواستههای انقلاب اکتبر، بلکه انداختن دور و بریهای خودشان به آشفته گی فکری ذلیل خرده بورژوازی که نفرت از انقلاب اکتبر داشت و بدیگر سخن مخالفت با پیروزی طبقه کارگر و لنگ انداختن در برابر نظام پوسیده و شقاوتمند سرمایه داری چیز دیگری نیست. آنها به قول شعر معروف: تکیه بر مسند نیکان نتوان زد به گزاف — مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی در لباس "خر در پوست شیر" و ظاهر دفاع از طبقه کارگر دشمن ناخودآگاه او در عمل می باشند.

بدین ترتیب بیائید دستاوردهای یک قرن پیش طبقه کارگر را گرامی بداریم و به آن دستاوردها مباهات کنیم و از اشتباهات آن در انقلابهای آینده پرهیز نماییم.

زنده باد نودونهمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر!

از تجارب انقلابی انقلاب اکتبر بیاموزیم و در عمل به کار ببندیم!

لنین در قلب کارگران و زحمت کشان برای همیشه زنده خواهد ماند!

حزب رنجبران ایران

۲۹ شهریور ۱۳۹۴



**به تارنما های
اینترنتی حزب
رنجبران ایران
مراجعه کنید و
نظرات خود را در
آنها منعکس کنید!**

سونامی اخراج سازی ها...

بقیه از صفحه اول

گریبانگیر واحد های صنعتی شده به طوری که اگر واحد های تولیدی داخلی مورد حمایت قرار بگیرند و کالاهای تولید شده در این واحدها مورد مصرف باشد، قطعا این واحد ها با پیشرفت و توسعه همراه خواهند بود. موج بیکاری، تعطیلی و نیمه تعطیلی واحدهای صنعتی این روزها افزایش یافته به طوری که واحدهای صنعتی زیادی طی این سالها از روند کار و تولید خارج شده و در لیست واحدهای صنعتی تعطیل شده قرار گرفته اند. رکود در بازار یکی از مهمترین مشکلاتی است که سبب شده تا بسیاری از واحد های تولیدی نیز به دلیل نبود بازار فروش نیمه تعطیل و تعطیل شوند. هر روز خبرهایی در خصوص تعطیلی واحد های صنعتی در کشور شنیده می شود که شهر بروجرد نیز در حال حاضر با تعطیلی بیش از ۵۰ درصد واحد های صنعتی با این مشکل مواجه شده است. (حقوق معلم و کارگر) ۲۰۱۵/۱۰/۱۴

- دومین روز تجمع کارگران اخراجی کشت و صنعت کارون برای بازگشت بکار و اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مزایا: به گزارش ۲۰ مهر ایلنا، یکی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون با اعلام این خبر گفت: علت این اقدام اعتراضی اخراج ناگهانی ۱۰۵ نفر از همکاران میراب و آب رسان مزارع نیشکر است و آنان خواستار بازگشت بکار و پرداخت سه ماهه معوقات حقوقی خود در ماهای تیر، مرداد و شهریور هستند. به گفته وی در اقدام اعتراضی روز گذشته کارگر ان اخراجی مقابل فرمانداری شوشتر، متأسفانه پاسخ مثبتی به مطالبات کارگران داده نشد و این کارگران در ادامه به دفتر نماینده امام جمعه و نماینده مجلس مراجعه کردند. تأمین مخارج زندگی بعد از اخراج بسیار برایمان سخت شده است و نمی توانیم جواب زن بچه هایمان را بدهیم. ۹۴/۱۰/۱۲

- اخراج و تعلیق ۱۰ هزار کارگر قطعه ساز در ۲ هفته اخیر: دبیر انجمن تخصصی صنایع همگن قطعه سازان خودرو با بیان اینکه در دو هفته گذشته قریب به ۱۰ هزار نیروی انسانی در صنعت قطعه سازی اخراج و یا تعلیق شده اند، گفت: اگر این روند تا پایان سال ادامه پیدا کند ۳۰۰ هزار نیروی انسانی در این صنعت بیکار می شوند.

به گزارش ۱۹ مهر تسنیم، آرش

از پیروزی انقلاب اکتبر بیاموزیم



محبی‌نژاد با اشاره به اینکه امروز صنعت قطعه سازی کشور رو به انحطاط است، اظهار داشت: طی دو هفته گذشته بسیاری از واحدهای قطعه سازی کشور تعطیل شده‌اند. تعدادی دیگر نیز دو تا سه روز در هفته با یک شیفت کاری فعالیت می‌کنند.

وی با بیان اینکه دومینوی تعدیل نیروی انسانی در صنعت قطعه سازی کشور افزایش یافته است، افزود: در دو هفته گذشته قریب به ۱۰ هزار نیروی انسانی در صنعت قطعه‌سازی تعدیل و یا تعلیق شده‌اند.

دبیر انجمن تخصصی صنایع همگن قطعه سازان خودرو، تصریح کرد: اگر این روند تا پایان سال ادامه پیدا کند ۳۰۰ هزار نیروی انسانی در این صنعت بیکار می‌شوند.

محبی‌نژاد با بیان اینکه خودروسازان به لحاظ سیاسی و یا موارد دیگر تعدیل نیرو نداشته‌اند، گفت: متأسفانه صنعت قطعه سازی کشور به دلیل کمبود نقدینگی و بدهی‌های سنگین تحت فشار مضاعف است حتی دولت نیز کمک نمی‌کند و هر روز در بخش بیمه و مالیات خواستار دریافت مطالبات خود است.

وی به طلب چند هزار میلیارد تومانی قطعه سازان از شرکت‌های خودروساز اشاره کرد و افزود: امروز صنعت قطعه سازی و خودروسازی کشور قربانی بی تدبیری سیاست‌گذاران کلان کشور است. مسئولان هیچ طرحی برای حمایت و احیای صنعت خودروبی کشور در دستور کار خود ندارند. این درحالی است که صنعت خودروی کشور موتور محرک اقتصاد بوده و به تنهایی ۲۰ درصد ارزش افزوده صنایع کل کشور را به خود اختصاص داده است.

دستمزدهای پایین و اخراج‌های غیرمنصفانه، بازار کار را در شرایط فوق‌العاده قرار داده تا جایی که معاون وزیر کار می‌گوید رتبه ایران در اخراج و استخدام در بین ۱۴۸ کشور جهان ۱۰۹ و در حقوق و دستمزد ۱۳۸ است. ایران میلیون‌ها نیروی کار شاغل دارد و چند میلیونی هم بیکار، اوضاع قراردادهای کاری نابسامان و دچار آشفتگی است و دوره همکاری‌های کارگران و کارفرمایان به حداقل یکماه و ۲۹ روز رسیده؛ بسیاری بدون دلیل نیروهایشان را اخراج می‌کنند و مراقبت‌ها تا شرایط قرارداد علیه آنها نباشد، حتی اگر حقوق طرف مقابل ضایع شود.

این شرایط نشان می‌دهد بازار کار ایران دچار چالش‌ها و درگیری‌های فراوانی است و جریان ورود و خروج نیروی کار در آن به

درستی صورت نمی‌گیرد. اخراج‌های زیاد شده به نحوی که وزیر کار می‌گوید در سال ۹۳ تعداد ۴۰۰ هزار نفر شاغل شدند ولی ۲۰۰ هزار نفر نیز شغلشان را از دست داده‌اند. بنابراین مسئله اخراج نیروی کار و امضای میلیون‌ها قرارداد موقت نهایتاً یکساله، بلایی است که در بازار کار ایران نازل شده و سرنوشت شغلی و آینده بیش از ۹۳ درصد کل نیروی کار کشور را تحت تاثیر قرار داده است. دبیرکل کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور تصریح کرد: این شرایط هرگز نمی‌تواند منجر به بهره‌وری نیروی کار و بهبود فضای کسب و کار شود و دیگر نیروی کار امنیت شغلی نمی‌تواند داشته باشد. در حال حاضر ما برای ۳۰ روز کار، تنها ۱۰ روز حقوق می‌گیریم و با این وضعیت زیر خط فقر هستیم.

وی تاکید کرد: ما حاضریم با نمایندگان کارفرمایان و دولت نشست برگزار کنیم و درباره یافتن راهکارهای خروج بازار کار از بحران و تقویت امنیت شغلی نیروی کار و سرمایه‌گذار مذاکره داشته باشیم. امروز متأسفانه در بازار کار با پدیده اخراج‌های غیرمنصفانه نیز مواجه هستیم و این روند رو به رشد است. ۱۰/۱۰ منبع: خبرگزاری مهر - ۲۰۰ کارگر شرکت صنایع فلزی ایران اخراج شدند

به گزارش حقوق معلم و کارگر به نقل از اتحادیه آزاد کارگران ایران، سه شنبه ۳۱ شهریور ماه تمامی کارگران قرار دادی شرکت‌های صنایع فلزی ایران از کار اخراج شدند. ساعت چهار بعد از ظهر، بعد از پایان ساعت کاری کارکنان، امور اداری شرکت صنایع فلزی ایران از تمام نیروهای قراردادی که تعداد آنان حدود ۲۰۰ نفر میباشد، درخواست میکند تا شرکت را ترک نکنند و بعد از ترک نیروهای رسمی از شرکت، برگه‌های اخراج این کارگران را به دستشان می‌دهند.

این کارگران که از هر دو شرکت شماره یک و دو بوده‌اند از سه الی ده سال سابقه کار برخوردار بوده‌اند و کارفرما به بهانه اتمام قرارداد، تمامی آنان را اخراج نموده است. در خبر منتشر شده در روز ۱۷ شهریور ماه از سوی سایت اتحاد نیز داشتیم که کارمندان صنایع فلزی سه ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند و حقوق نزدیک به پانصد کارگر این کارخانه نیز با تاخیر بیست روزه آنهم در دو نوبت پرداخت میشود.

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، در حال حاضر تولید در این

کارخانه در حدی است که کارگران قادر به اضافه کاری نیستند و فقط حداقل دستمزد را دریافت میکنند همچنین مدت شش ماه است که حق بیمه کارگران نیز به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز نشده است.

کارخانجات صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ در شهریور ماه سال ۹۲ و بدنبال اعتراضات گسترده کارگران به شرکت تجاری الماس مبین (متعلق به مجموعه شرکت‌های تعاونی سپاه پاسداران) واگذار شد. بنا بر اظهار کارگران کارخانه صنایع فلزی بدنبال تعطیلی کارخانه شماره ۱ و انتقال کارگران آن به کارخانه شماره ۲، شرایط در این کارخانه نیز هر روز بدتر می‌شود ۹۴/۹/۲۳ آینه روز پرداخت حقوق حدود ۳۰۰ کارگر دکل شرکت حفاری «سپنتا بین‌الملل» به دلیل آنچه «کمبود منابع مالی» ذکر می‌شود طی ۱۱ ماه اخیر به تعویق افتاده است.

منابع کاگری ایلنا در اهواز با اعلام این خبر افزودند: کارگران یاد شده بصورت پیمانکاری برای شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب مشغول به کارند و به دلیل بدحسابی کارفرمای اصلی در یازده ماه گذشته پرداخت مطالبات مزدی آنها دچار تاخیر شود. برپایه این اطلاعات کارگران دکل شرکت حفاری «سپنتا بین‌الملل» در نتیجه افزایش حجم معوقات مزدی خود روز ۲۹ شهریور ماه مقابل استانداری اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند. به ادعای این کارگران یکی دیگر از عوامل پرداخت نشدن طلب مزدی آن‌ه دکل مربوط بودن شرکت پیمانکاری آنها بدکل نفتی گمشده است و این حالی است کارگران این شرکت در پیش آمدن وضعیت پیش آمده بی‌تقصیرند. منابع کارگری ایلنا با بیان اینکه کارگران حفار مناطق نفت‌خیز جنوب به دلیل نداشتن امنیت شغلی و ترس از اخراج قدرت بیان مشکلاتشان را ندارند و در صورت اعتراض تهدید به اخراج می‌شوند، افزودند: حدود سه ماه پیش گروهی ۴۰ نفری از این کارگران که در میدان نفتی آزادگان کار می‌کردند به دلیل اعتراض به پرداخت نشدن طلب مزدی خود تعدیل شدند. در همین رابطه آقایار حسینی دبیر اجرایی با تایید مشکلات صنفی کارگرانی که از طریق شرکت حفاری سپنتا بین الملل در دکل‌های نفتی شرکت مناطق جنوب مشغول کارند، گفت: چند روز پیش مردمی که از مقابل استانداری اهواز گذر می‌کردند شاهد برپایی تجمع صنفی این کارگران بودند. وی بابیان اینکه کمابیش بیشتر کارگران شاغل در پروژه‌های نفتی با مشکلات



روز دوشنبه که مصادف با سومین روز شروع اعتصاب آنها بود، به دستور کارفرما حدود ۱۰۰ نفر از همکاران آنها تحت عنوان نیروی مازاد اخراج شدند و همین اقدام ناگهانی باعث شد تا معترضان بیش از پیش بر پیگیری های خواسته های خود اصرار کنند.

به گزارش مهر/مهریلنا، از روز شنبه تا به امروز بیش از ۴۰۰ نفر کارگر شاغل در این معدن دست از کار کشیده و در محدوده معدن تجمع کرده اند.

کارگران معترض گفتند: کارگران معدن زمستان یورت که از دو واحد شمال غرب و شمال شرق، تشکیل شده اند حدود ۷ ماه است که حقوق و مزایا دریافت نکرده اند. این کارگران در ادامه می گویند که شنیده اند کارفرمای معدن در ادامه اخراج های صورت گرفته، قصد دارد تا دست کم در مورد اخراج نزدیک به ۱۰۰ کارگر دیگر این واحد معدنی تصمیم گیری کند.

آنها می گویند: جدا از این اتفاقات تا این لحظه حدود ۴۵ نفر از همکاران پیمانکاری آنها ترجیح دادند تا در شرایط فعلی برگه های تسویه حساب را امضا کنند اما هنوز معلوم نیست که بابت ۷ ماه مزایای پرداخت نشده به آنها وجهی پرداخت شده باشد.

کارگران معدن زمستان یورت با یادآوری اینکه کار در معدن یکی از سخت ترین مشاغل جهان است می گویند؛ ما در این معدن در ازای انجام سخت ترین کار حداقل مزد را دریافت می کنیم که آن هم با تاخیر چند ماهه پرداخت می شود.

به نقل از کارگران این واحد معدنی گفته می شود با گذشت شش ماه از شروع سال جاری، هنوز کارفرما بابت دستمزد ماه های دی، بهمن و اسفند ۹۳ و همچنین دستمزد اردیبهشت و خرداد، تیر، مرداد و شهریور سال جاری با آنها تسویه حساب نکرده است.

به گفته کارگران معترض؛ در سال جاری فقط دستمزد فروردین و یک سوم حقوق اردیبهشت ماه به آنها پرداخت شده است و هنوز بابت دستمزد پرداخت نشده باقی ماه ها و نیز حق سنوات و اضافه کاری های سال ۹۳ کارگران خبری نشده است.

همچنین بیمه کارگران شاغل در معدن زمستان یورت نیز از خرداد ماه سال جاری تا به حال به تامین اجتماعی واریز نشده و به همین دلیل تامین اجتماعی از تمدید دفترچه های در مانی کارگران خوداری می کند.

کارگران زمستان یورت در ادامه

این واحد، کارگران مورد نظر به سایر کارخانه های شرکت انتقال داده شوند. به گزارش مهر/مهریلنا، در پی آتش سوزی روز گذشته در کارخانه «فومن شیمی» رشت، مدیرعامل این کارخانه از برآورد خسارت ۱۵ میلیارد تومانی در این کارخانه خبر داد.

حمید قاسم نژاد ضمن اعلام خسارت ۱۵ میلیارد تومانی وارده به کارخانه فومن شیمی که در اثر آتش سوزی روز گذشته به وجود آمد، درباره علت این حادثه توضیح داد: طبق نظرات کارشناسی که تا این لحظه

از حادثه دیروز به دست آمده، علت این آتش سوزی اتصال در سیستم برق رسانی و تولید جرقه در خط تولید اسپری و اشتعال بخار حلال های موجود در این مکان بوده است. وی با بیان اینکه این خط تولید به کلی تخریب شده است افزود: برای تجهیز مجدد و ساخت مکان نیاز به ۱۵ میلیارد تومان بودجه است که تا زمان تعمیرات و خرید دستگاه های مورد نیاز از خارج کشور، این خط تولید تعطیل خواهد بود.

قاسم نژاد با ابراز خرسندی از نبود تلفات جانی در این آتش سوزی اعلام کرد: متأسفانه ۳۰۰ نفر از کارگران به واسطه تخریب این خط تولید بیکار شده اند که احتمال دارد تا زمان شروع به کار مجدد این خط تولید، کارگران مورد نظر به سایر کارخانه های شرکت انتقال داده شوند. روز گذشته (دوشنبه) آتش سوزی مهیبی در کارخانه فومن شیمی واقع در شهر صنعتی رشت رخ داد که با تلاش ۴۸ مامور آتش نشانی رشت مهار شد. در این آتش سوزی خط تولید اسپری طعمه حریق شد.

گروه صنعتی فومن شیمی، که در سال ۱۳۵۵ با هدف تولید فرآورده های شیمیایی بنیان گذاری شد، متشکل از چندین واحد تولیدی است که هر یک به طور مستقل در امر تولید روان کارها (روغن ها)، مواد شیمیایی، بسته بندی، ظروف فلزی و شیر اسپری فعالیت دارند. ۹۴/۹/۲۹

پنجمین روز اعتصاب کارگران معدن زمستان یورت در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق و مزایا!

اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران در سومین روز اعتصاب!

کارگران معادن ذغال سنگ زمستان یورت استان گلستان (معروف به معادن شمال غرب و شرق) در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق و مزایا از روز شنبه در اعتصاب هستند.

به گفته کارگران معدن زمستان یورت در

نظیر گرفتاری کارگران سپینا بین الملل روبرو هستند، افزود: البته همیشه کارگرانی که بصورت پیمانکاری کار می کنند از بابت بدقولی پیمانکار و کارفرمای اصلی گرفتاری های صنفی داشته اند اما در مورد کارگران سپینا بین الملل چون مسئله رنگ و بوی سیاسی گرفته مشکل آنها به نوعی تشدید شده است. ۹۴/۹/۲۳ دبیر اجرایی خانه کارگر استان مازندران: درآمد ۱۱۵ هزار بازنشسته مازندرانی زیر خط فقر است

دبیر خانه کارگر مازندران می گوید: در شرایطی که خط فقر زیر ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است؛ ۱۱۵ هزار بازنشسته این استان بصورت متوسط ۹۰۰ هزار تومان در ماه دریافت می کنند.

نصرالله دریابگی با اعلام این مطلب به اینا گفت: عدم اجرای عادلانه اصل ۴۴ در استان، موجب بیکاری و فقر شده و به همین علت در سال های گذشته هزاران کارگر در مازندران خانه نشین شده اند.

رئیس کانون کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی افزود: نمی توان از کارنامه اجرای سیاست های خصوصی سازی در ایران پس از جنگ دفاع کرد چرا که در نتیجه همین واگذاری های غیر اصولی بود که امروز مشکلات صنفی کارگران شاغل و بازنشسته دو چندان شده است. وی گفت: تنها در استان مازندران اجرای غلط سیاست های موسوم به خصوصی سازی باعث شد تا کارخانه هایی همچون نساجی مازندران، خزرخز تنکابن، نساجی چوخوا، چیت سازی بهشهر، حریرقائم شهر، جین مد آمل، و بسیاری از دیگر واحدهای تولیدی که در این سال ها واگذاری آنها با ناکامی مواجه شده اند وی افزود: متأسفانه در سال های گذشته سرمایه گذاری برای دستیابی به توسعه بر عدالت اجتماعی ترجیح داده شده است و از این رهگذر تنها چراغ منازل کارگران خاموش سفره های آنها کوچکتر شده است. وی با انتقاد از کم بودن دستمزد کارگران و بازنشستگان، گفت: بازنشستگان به عنوان کارگران دیروز کشور و آینده کارگران امروز، نیاز به حمایت های بیشتری دارند. پیک ایران ۵ مهر ۱۳۰۴

بیکاری ۳۰۰ کارگر بدنبال آتش سوزی در کارخانه فومن شیمی

۳۰۰ نفر از کارگران فومن شیمی بدنبال آتش سوزی کارخانه بیکار شده اند که احتمال دارد تا زمان شروع به کار مجدد

سونامی اخراج کارگران نهیب مرگ رژیم است



▶ مشکلات خود گفتند، تعداد ۱۲۰ کارگر این معدن مشمول بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان آور هستند که حکم بازنشستگی ۳۰ تن از کارگران از سوی تامین اجتماعی تایید شده است و درباره باقیمانده کارگران مشمول بازنشستگی نیز گفته می‌شود که چون به دلیل مشکلات امکان بازنشستگی آنان فعلا وجود ندارد کارفرما قصد دارد تا آنها را به بیمه بیکاری معرفی کند.

در مورد چرایی پرداخت نشدن معوقات مزدی کارگران این واحد معدنی گفته می‌شود که پیمانکاران براساس قرارداد و عملکرد خود صورت وضعیت‌های مالی را به شرکت ذغال سنگ البرز شرقی در مقام کارفرمای اصلی تحویل داده‌اند اما در عمل شرکت فولاد اصفهان در مقام خریدار این ذغال به تعهدات مالی خود به موقع عمل نمی‌کند در نتیجه این وضعیت به وجود آمده است. برپایه اظهارات گفته می‌شود که میزان طلب شرکت زمستان یورت از شرکت البرز شرقی و در نهایت فولاد اصفهان حدود ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان است که اگر این مطالبات به موقع پرداخت شود کارگران از نظر معیشتی دچار مشکل نمی‌شوند.

اخراج ۴۰۰ کارگر کارخانه جدید مبتکران باطلب بیش از ۲ ماه حقوق و مطالبات! ۴۰۰ کارگر کارخانه جدید مبتکران باطلب بیش از ۲ ماه حقوق و مطالبات شدند.

به گزارش مهر ایلنا، فعالان کارگری شهرستان پاکدشت با اعلام این خبر گفتند، کارخانه جدید مبتکران تولید کننده انواع صندلی خودرو به جهت کاهش سفارشات از جانب کارخانه‌های خودرو سازی دچار مشکلات مالی شده است.

برپایه این اطلاعات؛ کارگران اخراجی جدید مبتکران دست کم بین دو تا ده سال سابقه کار داشتند و تا پیش از خاتمه قرارداد به عنوان بخشی از ۸۰۰ کارگر شاغل در این واحد تولیدی مشغول به کار بودند.

این کارگران به نقل از کارفرما جدید مبتکران دلیل اخراج خود را رکود بازار فروش محصولات عنوان می‌کنند و در عین حال گفتند این واحد حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیارد از کارخانه‌های خودرو ساز طلب دارد.

در عین حال گفته می‌شود که این کارگران اخراج شده مانند دیگر همکاران خود دست کم دو ماه مطالبات مزدی طلبکارند و هم اکنون کارفرما آنان را برای برقراری مقرری بیمه بیکاری به اداره کار معرفی کرده است. گفتنی است گروه صنعتی جدید مبتکران در

سال ۱۳۶۵ در شرق تهران تاسیس شد و اکنون از بزرگترین شرکتهای تولیدکننده صندلی خودروهای ساخت داخل بشمار می‌رود. کارگر کارخانه تولید قطعات خودرو نواوران ابری هم اخراج شدند منابع کارگری از اخراج ۲۰ کارگر کارخانه تولید قطعات خودرو «نواوران ابری» واقع در پاکدشت خبر می‌دهند.

به گزارش ۹ مهر ایلنا، در این واحد تولیدی حدود ۳۰۰ کارگر مشغول به کار هستند اما از ابتدای مهرماه سال جاری به دلیل آنچه از سوی کارفرما «رکود بازار فروش محصولات» عنوان شده است، تعداد ۲۰ کارگر این کارخانه با میانگین سوابق کار ۱۰ سال پس از خاتمه قرارداد موقت کارشان اخراج شده‌اند.

این کارگران می‌گویند کارفرما مدعی است کارخانه در زمینه فروش محصولات تولیدی خود دچار مشکل شده است و به همین دلیل برای کاهش هزینه‌های جاری کارخانه در مرحله نخست ۲۰ نفر از کارگران کارخانه را اخراج کرده است.

این منابع کارگری از تلاش کارگران اخراجی برای دریافت مقرری بیمه بیکاری و بازگشت به کار خبر داده‌اند. آنان می‌گویند؛ بعد از سال‌ها تلاش در این کارخانه فرصت شغلی جدیدی برایمان وجود ندارد.

کارگران اخراجی همچنین می‌گویند به تبع رکود بازار فروش محصولات این سازمان داخلی، بازار فروش محصولات این کارخانه را که در زمینه تولید بالابر شیشه خودرو فعالیت دارد، لطمه وارد کرده است.

به گفته کارگران کارخانه نواوران ابری، خودرو سازان داخلی به دلیل نداشتن منابع مالی کافی به قطعه سازان پیشنهاد خودروهای ساخته شده را بجای مطالباتشان داده‌اند.

خبرنگار پیام سندیکا گزارش می‌دهد: قطعه سازان مطرح سایپا و ایران خودرو ۴۲۰ کارگر خود را اخراج کردند

یکی از شگردهای سرمایه داری دلال در ایران ورشکسته کردن کارخانه های تولیدی است. مافیای مالی برای واردات قطعات از خارج از کشور و دامن زدن به دلالی با ندادن پول کارخانه های قطعه سازی وابسته به صنایع خودرو سازی به دلایل گوناگون آنان را مجبور به تعطیلی کارخانه

خود می کنند. در تازه ترین کارخانه «حدید مبتکران»، تولید کننده انواع صندلی خودرو به جهت کاهش سفارش کارخانه های خودرو سازی دچار مشکلات مالی شده است و ۴۰۰ کارگر این واحد تولیدی با دست کم بین دو تا

ده سال سابقه کار اخراج شدند. در گزارشی دیگر از اخراج ۲۰ کارگر کارخانه تولید قطعات خودرو «نواوران ابری» واقع در پاکدشت به دلیل آنچه از سوی کارفرما «رکود بازار فروش محصولات» عنوان شده است، خبر داده است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک - ۱۰ / ۱۳۹۴ / ۰۷

اخراج ۵۰ درصد کارگران برخی از قطعه سازان

عضو هیات مدیره انجمن قطعه سازان خودرو گفت: با توجه به افزایش طلب قطعه سازان از خودروسازان داخلی، هم اکنون برخی از قطعه سازان تا ۵۰ درصد نیروی کاری خود را اخراج کرده اند.

به گزارش ۱۱ مهر ایلنا، محمدرضا نجفی افزود: بیش از یک هزار و ۲۰۰ شرکت قطعه ساز در کشور فعال و همه آنها تقریباً از خودروسازان داخلی طلبکار هستند.

عضو هیات مدیره انجمن قطعه سازان خودرو تاکید کرد: در صورتی که منابع مالی مناسبی برای خودروسازان تزریق شود آنها نیز می توانند بسیاری از طلب قطعه سازان را پرداخت کنند.

نجفی منش افزود: بدهی خودروسازان داخلی به قطعه سازان بسیار طولانی مدت شده و این مساله مشکلات اساسی برای آنها به وجود آورده در حالی که قطعات یدکی تولیدی قطعه سازان ایرانی از کیفیت بالایی برخوردار است و هم اکنون بسیاری از قطعات آنها به خارج از کشور صادر می‌شود.

وی خواستار حمایت دولت از قطعه سازان شد و گفت: بدنبال مشکلی که چند سال پیش در ترکیه بوجود آمد، دولت ترکیه به جای بیمه بیکاری پرداخت ۵۰ درصد دستمزد نیروی انسانی شاغل در شرکت های قطعه سازی این کشور را متقبل و ۵۰ درصد دیگر توسط شرکت های قطعه سازی به کارگران پرداخت شد تا آنکه قطعه سازان وضعیت مناسبی پیدا کردند.

وی اظهار داشت: تولید قطعه براساس نیاز خودروسازان انجام می شود و هرگونه کنترل کیفیت قطعه باید توسط سیستم کیفیت و بازرسی خودروسازان عملی تا قطعه کیفی وارد سیستم تولید خودرو شود.

وضعیت مناسبی پیدا کردند.

وی اظهار داشت: تولید قطعه براساس نیاز خودروسازان انجام می شود و هرگونه کنترل کیفیت قطعه باید توسط سیستم کیفیت و بازرسی خودروسازان عملی تا قطعه کیفی وارد سیستم تولید خودرو شود.

نگرانی کارگران کارخانه بسا پارس صنعت از نداشتن امنیت شغلی!

به دلیل توقف فعالیت کارخانه «بسا پارس صنعت» در دو ماه گذشته، ۵۷ کارگر قراردادی این کارخانه تولید کننده قطعات خودرو از بابت امنیت شغلی خود





احساس نگرانی می‌کنند.

به گزارش ۱۱ مهر ایلنا، فعالان کارگری منطقه تاکستان می‌گویند از مرداد ماه سال جاری تاکنون فعالیت روزمره کارخانه «بسا پارس صنعت» که در زمینه تولید قطعات پیچیده موتوری خودرو فعالیت دارد، به دلیل کاهش سفارشات متوقف شده است. به گفته این منابع هرچند توقف بسا پارس صنعت در دو ماه گذشته تاثیری بر پرداخت مطالبات مزدی کارگران این واحد تولیدی نداشته است اما آنها نگرانند که با ادامه این وضعیت تمدید قراردادهای چند ماهه آنها با مشکل مواجه شود.

طبق اظهارات کارگران، از زمان رکود اقتصادی سه سال پیش مشکلات این کارخانه نیز آغاز شده است و در طول این مدت کارفرمای طوری کارخانه را اداره کرده است که تعدیلی در ساختار نیروی انسانی شکل نگیرد.

کارگران بسا پارس صنعت در توجیه علت نگرانی خود می‌گویند اخیراً به دلیل کاهش یکباره فروش محصولات خودرو سازان بزرگ به تبع آن مشکلات این کارخانه بیشتر شده به طوری که حجم محصولات این کارخانه که پیشتر به روزی ۹۶۰ دستگاه می‌رسید هم اکنون به صفر رسیده است.

کارگران بسا پارس صنعت می‌گویند، متوقف شدن ناگهانی تولیدات این کارخانه باعث شده بسیاری از کارگرانی که دارای قراردادهای موقت هستند و سالاهاست در این کارخانه صنعتی کار می‌کنند امنیت شغلی خود را در خطر ببینند.

۲۰ کارگر کارخانه سدید ریخته گر اخراج شدند

۲۰ کارگر قرار دادی کارخانه سدید ریخته گر پس از ۱۸ سال سابقه کار به دلیل «عدم نیاز کارفرما به کار آنان» اخراج شدند. در عین حال کارگران اخراجی کارخانه سدید ریخته‌گر نیز راجع به وضعیت خود می‌گویند: قرار بود صبح امروز (۱۱ مهر ماه) برای پی‌گیری مشکلات خود به دیدار برخی نمایندگان مجلس در تهران برویم اما به دلیل برپایی تجمعی سیاسی دیگری که همزمان با ورود ما در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی برگزار شده بود موفق به پیگیری خواسته‌های خود نشدیم.

به گزارش ۱۱ مهر ایلنا، کارگران کارخانه سدید ریخته‌گر با اعلام این خبر گفتند: اخراج‌های اخیر همکاران آنها از ابتدای مهر ماه سال جاری اتفاق افتاده است.

این کارگران با یادآوری اینکه پیش از این نیز نزدیک به ۴۰ نفر از همکاران آنها به تدریج در سه ماهه فصل تابستان اخراج شده بودند، افزودند: تمامی این اخراج‌ها پس از اتمام قراردادهای کار همکاران آنها اتفاق افتاده است.

علاوه بر این گفته می‌شود که کارگران اخراجی مانند کارگران باقیمانده هنوز بابت معوقات مزدی پرداخت نشده از کارفرمای سدید طلبکارند.

گفته می‌شود در حال حاضر حجم معوقات مزدی آنها نزدیک به هشت ماه می‌شود.

به گفته کارگران، کارفرمای کارخانه سدید ریخته‌گر از بهمن ماه سال گذشته (۹۳) به دلیل کمبود نقدینگی، توان پرداخت به موقع حقوق کارگران را ندارد.

ادامه اخراج کارگران قطعه‌سازان خودرو: *اخراج ۱۵۰ کارگر کارخانه غرب استیل

از ابتدای ماه جاری ۱۵۰ کارگر قرار دادی کارخانه غرب استیل واقع در سمنان پس از اتمام قرارداد کارشان بیکار شدند.

به گزارش ۱۲ مهر ایلنا، کارفرمای کارخانه غرب استیل که در زمینه تولید کننده قطعات بدنه خودرو فعالیت دارد تعداد ۱۵۰ کارگر قرار دادی خود را بعد از اتمام قرار داد اخراج کرده است.

به گفته این منابع کارگری، کارفرما مدعی است این واحد تولیدی به دلیل مشکلات مالی، توان پرداخت به موقع حقوق کارگران شاغل در کارخانه را ندارد و به همین دلیل کارفرما قرارداد کار ۱۵۰ نفر از کارگران را تمدید نکرده است.

براساس این گزارش، کارگران اخراج شده ۷ تا ۱۰ سال سابقه کار داشتند و مابقی ۳۵ کارگر با سابقه این واحد تولیدکنندگان قطعات بدنه خودرو نیز نگرانند که با پایان مدت قرارداد، کارفرما قصد تمدید قرارداد آنان را نداشته باشد و بیکار شوند.

گفتنی است، کارخانه غرب استیل از سال ۱۳۶۱ با تولید ظروف استیل فعالیت خود را آغاز کرد و از سال ۱۳۷۵ با پیوستن به جرگه تولیدکنندگان قطعات بدنه خودرو از جمله پژو پارس، ۴۰۵، ROA و L۹۰، در کنار گروه صنعتی ایران خودرو، سایکو، رنو پارس، پارس خودرو، سایپا، سازه گستر و زامیاد فعالیت می‌کند.

* ۴۰ کارگر کارخانه پارمیدا اخراج شدند/ ۳۰ کارگر دیگر در نوبت اخراج منابع کارگری در صنایع لاستیکی «پارمیدا» از اخراج ۴۰ کارگر قرارداد موقت این واحد

تولید کننده قطعات لاستیکی خودرو خبر می‌دهند.

به گزارش ۱۲ مهر ایلنا، کارگران این واحد صنعتی در شهر صنعتی شرق سمنان افزودند: مدیران صنایع لاستیکی «پارمیدا» در نخستین روزهای ماه جاری حدود ۴۰ کارگر قرارداد موقت این واحد تولیدی را یکجا اخراج کردند. کارگران افزودند: همچنین اسامی دست کم ۳۰ نفر از همکاران قرار دادی نیز طی ماه‌های آینده در لیست اخراج قرار دارد که در مرحله نخست کارفرما ۴۰ نفر از کارگران قرار داد موقت را با اتمام قرار داد کارشان اخراج کرده است.

به گفته این کارگران، علت اخراج این گروه از همکاران آن‌ها که دست‌کم تا ۱۰ سال سابقه کار داشته‌اند اتمام قرارداد کار بوده است. این کارگران با یادآوری اینکه جدا از اخراج‌های اخیر هنوز نزدیک به ۳۰۰ کارگر قراردادی در این واحد مشغول کارند، افزودند: از قرار معلوم این اخراج‌ها در راستای کاهش هزینه‌ها صورت گرفته و باعث شده است تا باقیمانده کارگران نیز از بابت امنیت شغلی خود احساس خطر کنند.

به گفته کارگران این کارخانه، این واحد تولیدی به سبب عدم دریافت معوقات مالی و بدهی‌های خود از تولیدکنندگان بزرگ خودرو که عمده‌ترین مشتریان این کارخانه هستند، دچار بحران مالی شده است.

بر اساس این گزارش، کاهش تولید تاثیر مستقیم بر کاهش نیرو دارد چرا که وقتی تولید کم شود کارفرما ناچار است نیروهای کار را به اندازه کاهش تولیدات کارخانه کم کند.

گزارشی درباره آخرین وضعیت کارگران اخراجی ورزشگاه آزادی

از مجموع ۱۸ کارگر اخراجی مجموعه ورزشگاه آزادی ۱۷ کارگر به کار سابق خود بازگشتند یکی از کارگران بدلیل عدم قبول شرایط جدید پیمانکار بازگشت بکار نشده است.

این کارگران می‌گویند پس تجمع اعتراضی اخیر که در مقابل ساختمان وزارت ورزش انجام دادند، تعدادی از همکاران آنها از سوی مدیریت مجموعه ورزشگاه آزادی به دلیل شرکت در این اجتماع مورد سرزنش قرار گرفته‌اند.

به گزارش ۱۲ مهر ایلنا، این اتفاق در روز چهارشنبه هفته گذشته (هشتم مهرماه) افتاده است و در حال حاضر ۱۷ کارگر با شرایط جدید پیمانکار مشغول کار خود هستند.

همچنین در مورد تنها کارگر اخراجی



که همراه همکاران اخراج شده خود به کار سابق بازنگشته است نیز گفته می‌شود که وی حاضر به قبول شرایط جدید پیمانکار نشده است.

پیش از این در روزهای پنجم و ششم مهرماه سال جاری، گروهی از کارگران مجموعه ورزشی آزادی با تجمع در مقابل ساختمان وزارت ورزش و جوانان نسبت به اخراج همکاران خود و نیز تغییر شرایط کارشان اعتراض کردند.

آزمان به نقل از معترضان گفته شد که چون قرارداد جدید پیمانکار از کار معین به کار حجمی تغییر پیدا کرده است در نتیجه پیمانکار در مقام کارفرما تعداد ۱۸ کارگر را اخراج و شرایط کاری باقیمانده کارگران را دشوارتر کرده است.

براین اساس قطع مزایای اضافه‌کاری در روز تعطیل هفتگی، حق ناهار و ایاب و ذهاب از جمله تغییراتی است که با حجمی شدن قراردادهای کار این کارگران اتفاق افتاده است.

تعداد کارگران پیمانکاری مجموعه ورزشی آزادی حدود ۱۵۰ نفر هستند و حدوداً ۴۵ نفرشان در قسمت فنی و مهندسی و تاسیسات و مابقی در بخش فضای سبز و خدمات مشغول به کارند.

این کارگران می‌گویند: صرف‌نظر از اینکه با حجمی شدن قرارداد پیمانکار اعتبار قراردادهای جدید آنها به کمتر از یک ماه رسیده است می‌گویند در حال حاضر بابت مزایای مربوط به مزد و حق اضافه‌کاری از پیمانکار قبلی طلبکار هستیم اما وضعیت بازپرداخت این طلب هنوز مشخص نیست. این کارگران در عین حال می‌گویند پس تجمع اعتراضی اخیری که در مقابل ساختمان وزارت ورزش انجام دادند، تعدادی از همکاران آنها از سوی مدیریت مجموعه ورزشگاه آزادی به دلیل شرکت در این اجتماع مورد سرزنش قرار گرفته‌اند.

۳۰ کارگر شهرداری کرمانشاه اخراج شدند

بیش از ۳۰ کارگر ستادی و فنی شهرداری کرمانشاه به دلیل کمبود منابع مالی اخراج شدند. به گزارش ۱۳ مهراینا، این افراد که در فرهنگسرای «آیت الله نجومی» شهرداری مرکز کرمانشاه مشغول کار بوده‌اند بنا بر اعلام شهردار کرمانشاه به علت عدم بودجه کافی از کار اخراج شده‌اند.

یکی از کارگران اخراج شده شهرداری که خواست نامی از وی برده شود، گفت: بیش از ۳۰ نفر بودیم که در مشاغل ستادی و

فنی کار می‌کردیم اما به دلیل نبود بودجه مالی و مشکلات اقتصادی از کار اخراج شده‌ایم. وی بابیان اینکه او و دیگر همکاران اخراج شده‌اش سابقه چندین ساله کار در شهرداری کرمانشاه را دارند، تاکید کرد: در این رابطه با شهردار کرمانشاه، صحبت کردیم اما به ما گفته شد شهرداری بودجه پرداخت دستمزدمان را ندارد اما اگر دلمان بخواهد می‌توانیم به صورت افتخاری کار کنیم ۲۰۱۵/۱۰/۵

اخراج ۲۰۸۵۶ کارگر از کارخانجات فارس طی یکسال گذشته!

شیرازه طی گزارشی بتاريخ ۱۴ مهر، از اخراج ۲۰۸۵۶ کارگر از کارخانجات فارس طی یکسال گذشته، خبر داد.

براساس این گزارش، برخی آمارها حکایت از آن دارد که سال گذشته ۱۱ هزار کارگر کارخانجات فارس به دلایلی همچون تعطیلی کارخانه و تعدیل نیرو خانه نشین شده اند که از این تعداد، ۹۴۵۹ نفر مربوط به ۷ ماه پایانی سال ۹۳ بوده اند.

امسال نیز تا ۵ ماهه اول سال یعنی تا پایان مردادماه ۱۳۹۷ کارگر شاغل به خیل بیکاران فارس افزوده شده اند در حالی که ۷۲۱ نفر از این تعداد به دلیل اتمام قرارداد اخراج شده اند و مابقی به دلیل عدم رونق فعالیت های اقتصادی کارخانجات و کارگاه ها کار خود را از دست داده اند.

شهریورماه امسال، مهرزاد مویدی عضو کارگری شورای عالی اشتغال هم از موج جدید اخراج کارگران از کارخانجات فارس خبر داد و گفت: آن قدر کارخانه تعطیل شده در فارس هست که اگر مسئولین هر روز بخواهند چسب بر در یکی از این کارخانجات بزنند تا پایان سال زمان کم می آورند. ۷ کارگر قرار دادی کارخانه آرمان شفق اخراج شدند

از ابتدای ماه جاری ۷ کارگر قرار دادی کارخانه آرمان شفق با سابقه کاری ۱ تا ۸ سال اخراج شدند.

اخراج شدگان نیز مانند کارگران باقیمانده آرمان شفق هنوز بابت معوقات مزدی مرداد و شهریور از کارفرمای طلبکارند.

در عین حال کارگران اخراجی کارخانه آرمان شفق نیز راجع به وضعیت شغلی خود می‌گویند: به تبع سختی کار در مقابل کوره‌های ذوب آهن و خط تولید هر ماه شاهد سوختگی یا مصدومیت یکی از کارگران بر اثر حوادث کاری هستند.

به گزارش ۱۴ مهراینا، کارگران کارخانه میلگرد سازی آرمان شفق تاکستان با اعلام

این خبر گفتند: همکاران اخراج شده آنها در این واحد تولیدی بین یک تا ۸ سال سابقه کار داشتند.

این کارگران با یادآوری اینکه پیش از این نیز نزدیک به ۵۰ نفر از همکاران آنها بتدریج از نوروز ۹۴ تا پایان شهریور ماه اخراج شده‌اند، افزودند: تمامی این اخراج‌ها پس از اتمام قراردادهای کار همکاران آنها اتفاق افتاده است.

علاوه براین گفته می‌شود که اخراج شدگان نیز مانند کارگران باقیمانده آرمان شفق هنوز بابت معوقات مزدی مرداد و شهریور از کارفرمای طلبکارند.

به گفته کارگران، با وجود آنکه کارگران از بیمه تامین اجتماعی و بیمه تکمیلی دانا برخوردارند اما بعد از وقوع حادثه حمایت چندانی از سوی کارفرما و شرکت‌های بیمه گر به آنان نمی‌شود و در بیشتر موارد کارگر مقصر شناخته شده نمی‌تواند حتی هزینه‌های درمانی خود و خسارات‌های جانبی دیگر را از شرکت بیمه بگیرند.

وی همچنین تصریح کرد: برای نمونه در سال ۹۲ یکی از کارگران این واحد صنعتی بر اثر حادثه ناشی از کار فوت می‌کند که تا این لحظه هنوز غرامت کامل این حادثه به خانواده وی پرداخت نشده است.

اخراج ۷۵ کارگر پیمانکاری کارخانه سیمان تهران

از ابتدای ماه جاری تاکنون ۷۵ نفر از کارگران پیمانکاری کارخانه سیمان تهران اخراج شده اند.

به گزارش ۱۶ مهراینا، این کارگران که از طریق شرکت های گلسار، الوند و رویال کار در بخش های مختلف واحد ۷ سیمان تهران شاغل بوده و هنوز بابت ۲ ماه مزد پرداخت نشده طلبکارند گفتند که پس از خاتمه یافتن قرارداد کار پیمانکار حاضر به بستن قرارداد جدید نشده است.

این کارگران می‌گویند از قرار معلوم فشارهای سازمان محیط زیست باعث شده است تا فعالیت های مجموعه واحد هفتم سیمان تهران محدود شود و به همین دلیل نیز آنها اکنون اخراج شده اند.

آنها در عین حال از احتمال افزایش این اخراج ها خبر داده و گفتند: در کارخانه سیمان تهران نزدیک به یک هزار و ۳۵۰ نفر مشغول کارند و از قرار معلوم از یک ماه پیش فعالیت واحد ۷ سیمان تهران متوقف شده است. ۲۰۱۵/۹/۱۰

یادآوری این وضعیت اخراج سازی کارگران به قدری نشان دهنده ی



برخورداستبدادی به حقوق آنان و درعین حال عدم توجه دولت به حل معضلات مربوط به تولید به قول معروف "اظهرمن الشمس!" است که لازم به توضیح نبوده و راه خروج از این کلاف سردرگم قدرت دولتی توسط کارگران است که آن وقت درمدت بسیار کوتاهی این اختاپوس سرمایه را از روی دوش کارگران با تصمیمی قاطع برداشته خواهد شد. بنابراین تصمیم در دست قیام سازمان یافته ی کارگران تحت رهبری حزب پیشرو و انقلابی کمونیست کارگران خواهد بود. زجر کشیدن بیش از این حد قابل توجیه نمی باشد. با جمع آوری ناکامل در یک ماه آمار اخراجها ارائه شده در اخبار به بیش از ۲۳۳۰۰۰ کارگر اخراجی می رسد و با توجه به نبودن آمار مناطقی که بیش از ۵۰٪ کارخانه ها تعطیل می شوند، رقم وحشتناکی به دست می آید که در یک سال تا ۳ میلیون کارگر اخراجی می رسد. تنها با تشدید مبارزات کارگری است که می توان از اخراج سازیهما ممانعت به عمل آورد. به امید آن روز



صدور آب ایران در شرایط قرمز به خارج. جنگ آب مدتی است آغاز شده و ما حتی نخستین مجروحان این جنگ را هم داده ایم

شرایط ایران از نظر آب بحرانی و گاهی قرمز است و در این شرایط، سخن از صادرات آب به کشورهای همسایه شگفت آور می نماید اما این صادرات صورت گرفته هر چند به گفته مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب های ایران، غیر مستقیم و در بسته بندی قرمز بوده است. به گزارش خبرنگار ایرنا، محسن سلیمانی مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب های ایران که چهارشنبه در همایش مدیریت تالاب ها در شیراز سخن می گفت، صدور هندوانه به کشورهای همسایه را صدور غیر مستقیم آب دانست و میزان آن را سالانه ۸۰۰ هزار تن هندوانه ذکر کرد. از دیدگاه این مسوول، این میزان صادرات

هندوانه به معنای صدور یک میلیارد متر مکعب آب است و عایدی کشورمان از این صادرات ۲۰ ریال برای هر لیتر است. محسن سلیمانی همچنین گفت که برای تولید هر کیلوگرم هندوانه ۲۵۰ لیتر آب مصرف می شود و هندوانه صادراتی ایران در کشورهای عراق و امارات حداکثر هر کیلوگرم هفت هزار ریال بفروش می رسد در حالی که میزان آب مصرفی برای تولید این میزان هندوانه به مراتب بیشتر ارزش داشته است. وی افزود: بر اساس یک رویکرد نادرست ما تولید محصولات کشاورزی را برحسب تن در هکتار می سنجیم در حالی که در کشور ما زمین عامل محدود کننده در تولید نیست و آب باید به عنوان عامل محدود کننده در تولید محصولات کشاورزی لحاظ شود. مدیر ملی طرح حفاظت از تالاب های ایران با بیان اینکه برخی جنگ آب را خیلی دور از ذهن می پندارند گفت: در جامعه ما جنگ آب مدتی است آغاز شده و ما حتی نخستین مجروحان این جنگ را هم داده ایم، این مجروحان در موضوع چالش برانگیز انتقال آب به دشت مرکزی ایران رخ داد بنا بر این می بایست چالش آینده منابع آب را بسیار جدی بگیریم.

سلیمانی در ادامه به برخی از مزایا و موابه احیای تالاب ها اشاره کرد و گفت: ۱۰۰ هزار نفر بطور مستقیم از تالاب شادگان خوزستان و ۱۵۰ هزار نفر از تالاب چغاخور در بروجن چهارمحال و بختیاری معیشت می کنند در استان سیستان و بلوچستان نیز معیشت مستقیم مردم زابل به تالاب هامون بستگی دارد بنا بر این احیای تالاب ها احیای معیشت مردم است.

وی با انتقاد از برخی طرح های سدسازی در کشور گفت: متأسفانه مسوولان وزارت نیرو در سال های گذشته به موضوع مدیریت منابع آب توجه چندانی نکرده اند آنها فقط به استحصال آب می اندیشیدند، این همه فرونشست زمین و نابودی دشت ها حاصل این بی مدیریتی هاست (۱۳۹۴/۹ - آینه روز)

۸۵ درصد منابع آبی ایران مصرف شده است

خشکسالی در خراسان شمالی معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، می گوید وضعیت آب در ایران بحرانی است و ۸۵ درصد منابع آبی کشور مصرف شده است. خانم ابتکار هشدار داده است: "در حوزه

آب دچار بحران هستیم که نیازمند توجه و برنامه ریزی جدی است، به گونه ای که ۸۵ درصد از منابع آبی کشور استفاده شده... هم اکنون در برداشت از آب های زیر زمینی رتبه اول را در دنیا داریم و با ۲۵ درصد فاصله کشور مصر در رتبه دوم قرار دارد." رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست گفته است مساله آب برای "آینده تمدنی ایران" مهم است.

ایران در سال های اخیر با خشکسالی مواجه بوده، اما علاوه بر آن مدیریت منابع آب در این کشور به ترتیبی بوده که 'موسسه منابع جهان' می گوید تا سال ۲۰۴۰ ایران در میان ۱۵ کشوری است که بیشترین مشکلات را در زمینه کمبود آب خواهند داشت.

معصومه ابتکار می گوید "ایران دو برابر دیگر کشورهای جهان از ظرفیت های زیست محیطی بهره برداری می کند" و "همه در این بحران سهیم هستند و باید در این زمینه تلاش کنند و در حفاظت از منابع آب همه ما مسئولیت مشترک دارند."

رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست گفته است بانک جهانی در زمینه مشکلات زیست محیطی برای ۱۵ سال آینده ۲۰ میلیارد دلار اختصاص داده که کشور های در حال توسعه در دریافت آن اولویت دارند.

خانم ابتکار گفته است: "باید سهم خود را از این بخش دریافت و فعالیت خود را تقویت کنیم. یک زمینه بسیار خوب برای سرمایه گذاری و فعالیت بخش خصوصی برای تعامل با دنیا به وجود آمده است."



بجز نوشته هایی که با امضای تحریریه منتشر می گردد و بیانگر نظرات حزب رنجبران ایران می باشد، دیگر نوشته های مندرج در نشریه رنجبر به امضا های فردی است و مسئولیت آنها با نویسندگانشان می باشد.

آمار تکان‌دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران

[دروشته پژوهشی مجلس به جای پرداختن به ریشه اصلی وضع ناگواری که دامن گیر زنان در ایران شده است که به خوبی فساد و شکست قوانین ارتجاعی حاکمان دربرخورد به زنان می باشد "ازدواج موقت" و "روابط جنسی" را عامل دانسته، درحالی که جلوگیری از روابط آزاد پسران و دختران، عدم امنیت مالی مستقل زنان، در فقر و بی پناهی قانون از زنان از جمله عواقب دردناک در زنده گی روزانه آنان به مثابه انسان درجه دوم جامعه این وضع را به زنان تحمیل کرده است. به آمارهای ذکر شده در این پژوهش توجه کنیم تا ببینیم جهنم جمهوری اسلامی که تنها گوشه کوچکی از آن عیان شده چگونه رفتاری نسبت به زنان دارد. رنجبر]

مرکز پژوهش های مجلس در گزارشی به وضعیت روابط جنسی در ایران پرداخته است. در این گزارش تاکید شده است که "روابط جنسی نامشروع در حد نگران کننده ای افزایش یافته است." این مرکز یکی از راه حل های مبارزه با این روابط را ازدواج موقت دانسته است.

به نقل از فرارو، مرکز پژوهش های مجلس بازوی تحقیقاتی مجلس شورای اسلامی گزارشی با عنوان "ازدواج موقت و تاثیر آن بر تعدیل روابط نامشروع جنسی" منتشر کرده است. در این گزارش ۸۲ صفحه ای نسبت به وضعیت روابط جنسی در ایران هشدار داده است.

این گزارش "ازدواج موقت را مرهمی بر درد، روابط و رفتار های جنسی خطرناک" دانسته است. در این گزارش مشکلات روابط جنسی در غرب ذکر شده و حقوق ازدواج در سندهای حقوق بشری بررسی شده است. در بخشی از این گزارش منع تعدد زوجات در سندهای حقوق بشری مورد نقد قرار گرفته است و آمده است: «حق تعدد زوجات مبتنی بر واقعیتی تکوینی است و نفی آن در گسترش فحش های جنسی در غرب موثر بوده است.» مرکز پژوهش های مجلس در ادامه گزارش روابط جنسی از منظر دین را بررسی کرده است، در همین راستا ازدواج موقت را به عنوان یک راهکار برای جلوگیری از روابط نامشروع جنسی مطرح می کند. این گزارش می گوید: «شکی نیست که در قرآن و سنت ازدواج موقت امری مشروع و حتی مستحب است.»

مرکز پژوهش ها قواعد فقهی و حقوقی ازدواج موقت را ذکر کرده است. این گزارش تاکید کرده است که "متأسفانه فرهنگ جوامع اسلامی به واسطه رفت و آمد، وسایل ارتباط جمعی، ماهواره و اینترنت به شدت از فرهنگ غرب تاثیر پذیرفته است." همچنین آورده است "بالارفتن سن ازدواج، تمایل به زندگی مجردی، روابط جنسی آزاد، کاهش ازدواج و افزایش طلاق و... از تاثیرات فرهنگی غرب بر جوامع اسلامی است." **آمارهایی از روابط جنسی در ایران**

مرکز پژوهش ها در سر فصل مهمی از گزارش با عنوان "وضعیت موجود در آیین آمار" شرایط روابط جنسی در ایران را تشریح کرده است.

این گزارش با استناد به نامه ای از وزارت آموزش و پرورش، نتایج تحقیق بر روی ۱۴۱ هزار و ۵۵۵ دانش آموز دختر و پسر دوره متوسطه در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ منتشر کرده است.

براساس این تحقیق، ۱۰۵ هزار و ۴۶ نفر دانش آموز یعنی ۷۴.۳ درصد دارای رابطه «غیر مجاز با جنس مخالف» بوده اند.

همچنین تعداد ۲۴ هزار و ۸۸۹ نفر که ۱۷.۵ درصد دانش آموزان مورد تحقیق را در بر می گیرد، همجنس گرا بوده اند و ۱۱ هزار و ۶۸۲ نفر یعنی ۸.۲ درصد نیز دست به خودارضایی می زده اند.

این گزارش همچنین با استناد به آمار مرکز تحقیقات سایبری سپاه و سخنان ابراهیم بیانی، معاون اطلاعات سپاه فجر استان فارس، خبر داده که در زمینه مراجعه به سایت های غیر اخلاقی در ظهر عاشورا، از بین ۱۸۲ کشور جهان، تهران مقام نخست و شیراز رتبه پانزدهم را به خود اختصاص داده است.

در بخشی با عنوان "بدحجابی خودرایی تحریک کننده" آماری از میزان دستگیری بدحجابان منتشر شده است. براساس این آمار: از نظر گروه سنی بالغ بر ۹.۷۸ درصد زیر ۱۵ سال، ۴۶.۹ درصد بین ۱۶ تا ۲۰ سال، ۳۱.۵ درصد ۲۱ تا ۲۵ سال و ۱۳.۸ درصدشان ۲۶ تا ۳۰ سال داشته اند. به لحاظ وضعیت تاهل ۸۴.۶ درصد مجرد بوده اند ۱.۳ درصد متاهل و ۲.۲ درصد مطلقه بوده اند. به لحاظ وضعیت تحصیلی نیز ۴۶.۹ درصد دارای تحصیلات متوسطه و دیپلم، ۲۷.۷ درصد فوق دیپلم و لیسانس، ۲۵.۴ درصدشان بالاتر از لیسانس بوده اند. این گزارش همچنین به تحقیق از محمود گلزاری روانشناس و استاد دانشگاه علامه طباطبائی اشاره کرده است که تائید می

کند درصد دختران مورد پرسش در چند دبیرستان دخترانه تهران گفته اند که دوستی با جنس مخالف را تجربه کرده اند. گزارش مرکز پژوهش های مجلس به نقل از کارشناسان و مسئولین از کاهش سن روسپیگری به ۱۵ سال خبر داده است. این گزارش به نتایج تحقیقی اشاره کرده که بر اساس آن، «آمار روسپیگری بین زنان متاهل بیشتر از مجردهاست».

بر اساس آنچه که در این گزارش ادعا شده است، «۱۱ درصد روسپیان شهر تهران با اطلاع همسران شان دست به روسپیگری می زنند». گزارش مرکز پژوهش های مجلس با اشاره به تشکیل ۲۸۰ پرونده تجاوز جنسی در چهار ماهه اول سال ۱۳۸۸، از یک تحقیق انجام شده توسط اعضای هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از زنان ۱۵ تا ۳۵ ساله خبر داده که بر اساس آن، ۱۲.۵ درصد از زنان در مقابل لمس اعضای بدن و ۶۲.۵ درصد در مقابل متلک های زننده سکوت می کنند، این در حالی است که بیش از ۶۰ درصد زنان سابقه مواجهه با این آزارهای جنسی را داشته اند.

بیشتر آماری که مرکز پژوهش ها مورد استناد قرار داده است پیش از این رسانه های داخلی کشور منتشر شده اند. گزارش بازوی پژوهشی مجلس شورای اسلامی با استناد به این آمارها اوضاع رابطه جنسی در ایران را نگران کننده خوانده و تاکید کرده است "تشکیل کانون های ازدواج موقت و تبلیغ این روش ازدواج" راه حلی برای این نگرانی است و استدلال های خود را مطرح کرده است



چون نیک نظر کرد پر خویش در آن دید گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست!

رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی گفت: هم اکنون پنج میلیون دانش آموخته لیسانس بیکار در کشور داریم.

غلامرضا تاج گردون روز یکشنبه در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: اگر وضعیت کنونی ایجاد اشتغال در کشور ادامه داشته باشد در سه سال آینده شمار این فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکار به هشت میلیون نفر





خواهد رسید.

خامنه‌ای خواستار «بیان مشکلات و پرهیز از اغراق در توانایی‌ها» شد

در سطح هیئت حاکمه با تیتراژ آیت الله داشتن به نظر می‌رسید که علی القاعده سخنان آنها در سطحی پائینتر از "ولایت فقیه" بامحدودیت دست به گریبان است. اما بعد از دریافت ادعای "ولی فقیه" متوجه شدیم که به قول معروف "اشکال از آقا هست" یک جانبه گری دامن گیر خود خامنه‌ای می‌باشد که واگیر نیز شده است! توجه کنیم:

رادیو فردا: رهبر جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۰ مهر در دیدار با مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی خواستار «پرهیز از اغراق در توانایی‌ها»، «درک واقع‌بینانه از شرایط کشور»، «توجه به مشکلات»، و «پرهیز از سطحی‌نگری» شد.

به گزارش پایگاه خبری آیت‌الله علی خامنه‌ای، وی در ادامه خطاب به مسئولان صدا و سیما گفت که باید «اهداف مورد نظر را بدون تظاهر و درشت‌نمایی، در حد ظرفیت همه برنامه‌های صدا و سیما به صورت هنرمندانه ترویج کرد تا مخاطبان اقناع شوند و بپذیرند».

درخواست آقای خامنه‌ای از صدا و سیما برای «توجه به مشکلات» در گزارش‌های خود در حالی بیان می‌شود که وی اعلام کرده بود که گوش دادن به کسانی که از «کمبودها و ضعف‌های» جمهوری اسلامی سخن می‌گویند، «جایز نیست».

رهبر جمهوری اسلامی پیش از این در یکی دیگر از فتاوای خود همچنین اعلام کرده بود که «گزارش دادن ظلم به مراکز و مراجع مسئول... اشکال ندارد... اما بیان آن در برابر مردم وجهی ندارد، بلکه اگر موجب فتنه و فساد و تضعیف دولت اسلامی شود، حرام است».

رهبر جمهوری اسلامی همچنین در سال‌های اخیر بارها به رسانه‌ها هشدار داده بود تا از آنچه «سیاه‌نمایی امور کشور» می‌نامد، اجتناب کنند و همچنین در مواردی چون پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در بانک‌های ایران از رسانه‌ها خواسته بود که «قضیه را کش ندهند».

رسانه‌های بیگانه «کاملاً جدی هستند»، «ما عقب هستیم»

علی خامنه‌ای روز دوشنبه در ادامه سخنانش با اشاره به آنچه «رسانه‌های بیگانه» خواند گفت که «آنها در پیگیری پیچیده اهداف خود، کاملاً جدی و دارای برنامه هستند اما ما در این زمینه عقب هستیم».

وی، «رسانه‌های بیگانه» را به «جنگ نرم» علیه جمهوری اسلامی متهم کرد و «برنامه‌ریزی و کار و تلاش منسجم را از ویژگی‌های بارز طراحان و مجریان جنگ نرم» برشمرد.

رهبر جمهوری اسلامی در ادامه از «حرکت عظیم رسانه‌ای که با کمک رسانه‌های نوپدید به وجود آمده» سخن گفته و افزود که «رسانه ملی در صحنه چنین نبرد عجیب و عظیم و درگیری ناخواسته و ناگزیر قرار دارد که همان عرصه پیچیده و بسیار مهم به هرترتیبی شده تا روز جان دادنش روش کشت و کشتار را ادامه دهد. و این صفت تمامی ناحقان حاکم تاکنون بوده است: جنگ نرم است».

علی خامنه‌ای و دیگر مسئولان جمهوری اسلامی را نبردی «تدریجی و پنهانی» از سوی گروه‌هایی می‌دانند که قصد تغییر ماهیت یا براندازی جمهوری اسلامی را دارند (پیک ایران).

اگر خامنه‌ای چشم بصیرت و عقلی منطقی داشت، و واقعیات جانگداز در ایران را طی حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی می‌دید چنین ادعاهائی نمی‌کرد: این همه بگیر و ببند و بکش بکش را که هم اکنون جریان داشته و از رئیس قوه قضائیه بزرگترین جلا دوز را ساخته است منجر شده و دستوری داد از این همه بی‌عدالتی در محکوم کردنها دست بردارد. افسوس که وی قادر به درک این واقعیت ساده نیست و می‌خواهد تا دم مرگش در سطح رهبری بلامنازع باقی بماند و به همین علت وضعیت در ایران را مطلوب ترین در جهان عرضه می‌کند.

حال برویم و ببینیم چه ترهاتی از جانب آیت الله دیگر در مسند قضاوت عرضه می‌شود: آیت الله صادق لاریجانی، در اوج "دانش" دینی و رئیس قوه قضائیه نادانی خود را چنین عرضه کرد: «امروز علوم انسانی غربی هجوم زیادی آورده و فیلم‌های تولیدی ایران از محتوا خالی و در بعضی مواقع بسیار منفی است».

به گزارش دیگران، لاریجانی افزوده که «نفوذ دشمن در جامعه قابل مشاهده است و دشمن نسل جوان را مورد هدف قرار داده و یکی از وظیفه مهم ما روحانیون این است که احکام اسلامی را به کار ببندیم».

به گفته وی «فیلم‌هایی که الان تهیه می‌شود بسیار تاثیرگذار است اما در حال حاضر فیلم‌های ما از محتوا خالی و در بعضی مواقع بسیار منفی است».

«باید دستورات ولی فقیه در جامعه اجرا شود و در هیچ جای دنیا قوه قضائیه مانند ایران

اسلامی مقتدر نیست.» (پیک ایران - هفدهم مهر ۱۳۹۴ برابر با نهم اکتبر ۲۰۱۵)
این فرد مرتجعی که با نادانی کامل و چه با آگاهی ولی نوکرتصفی در برابر رژیم جمهوری اسلامی به خوبی می‌داند که با اعدام رسمی بیش از ۸۰۰ نفر از اول امسال بامضای قوه قضائیه و در واقع شاید دو برابر بیشتر از افراد بی گناه و حتا با گناه با دوباره دادگاهی کردن به قتل رسانده و مخالفان نظام را که زندانشان در حال اتمام است مجرم شناخته دوباره محکومیت سختی داده و این قوه قضائیه در زیر نظام جمهوری اسلامی و زیر نظر فرد مرتجعی چنان لکه ننگی در ایران شده است که فقط لیاقت فاشیستی را می‌توان به عنوان جایزه به سینه وی اویزان کرد. بیش از ربع قرن حاکمیت استبدادی این نظام و صرف بیش از تریلیاردها تومان پول مردم در خدمت تبلیغ دائمی به نفع این نظام، اجبر کردن میلیونها نفر، چاپ صدها و شاید هزاران نسخه از تبلیغات و وادار کردن مردم به خواندن آنها از خانه ها گرفته تا مساجد و مدارس باز هم این تبلیغات نفوذی نیافته و مثلاً ده فیلم فارسی یا خارجی چنان در مردم نفوذ منفی یافته که آه از نهاد جناب مرتجع درآورده اند؟؟!!

این افراد فهم حتا از فرهنگ موجود کشور نیاموخته اند که در شعر بالا به روشنی می‌گوید که بنابه ضرب المثل "عیب از خود آقا است" عیب کار را در خود جست و جو کنید و اگر این کار را بکنید یک نکته مثبت در خود پیدا نکرده و متوجه می‌شوید که چه گندی برای این ۸۰ میلیون نفر زده اید که نفرت عظیمی از شما داشته و سرنگونی شمارا روز شماری می‌کنند. دستورات ولی فقیه شما هم که اسم بی مسمائی است دائماً تبلیغ کرده اید و ولی فقیه شما تحت نام خمینی جلا دوز هم روزی در کمال خونسردی دستور داد که زندانیان سیاسی ضد رژیم را بکشند و به قدری این دستور وحشتناک و بی دلیل بود که فرد دوم دستگاه دینی آیت الله منتظری آن را نپذیرفت و مغضوب هم واقع شد و امروز حتا یک نفر از شما قادر نیستید آن را نفی کنید. بنابراین با اسم گذاشتن و لقب فقیه دادن کسی فقیه نمی‌شود.

آنچه که امروز بیش از هر چیز واقعیت یافته : خانه از پای بست ویران است و خواجه در فکر نقش ایوان است. بنابراین زمان آن رسیده است که این جمهوری مجعول خون ریز از بیخ و بن ویران شده و جامعه ای که مملو از عدالت و رفاه باشد در کشور غنی ایران برقرار شده، صدها سال مردم به نفی رژیمی اسلامی بپردازند و دستشان





هرگز به دامن آلوده به گناه شما نرسد. شما تمامی ظلم و جور که افراد خبیث در گذشته به وجود آورده بودند در ایران تا به حال اعمال کرده اید و با مثل معروف "الدورام، کهسه رم" نخواهید توانست فاشیسم اسلامی را جا بیاندازید. وقت آن رسیده است که مقامهای غصب شده را ول کرده و فرار را بر قرار ترجیح بدهید و هرچه بیشتر بمانید و ظلم کنید از شما اثری برجای نخواهد ماند. با ظلم کردن نمیتوان حکومت کرد. چنین است درس تاریخ!

تفسیری از یک ادعا

دولتی و مالی در کشور مبارزه خواهد کرد. در حالی این شرایط بر آفریقایی جنوبی حاکم است که جاکوب زومبا رییس جمهوری این کشور خواهان ایفای نقش پر رنگ این کشور در صحنه سیاسی این قاره و جهان است. وی از جمله رهبران این قاره است که خواهان اختصاص کرسی برای نمایندگانی از این قاره در شورای امنیت سازمان ملل است. اکنون به نظر می رسد آفریقایی جنوبی در آستانه بحران دیگری است که اگر به خواست کارگران توجه نشود، موج اعتراضات به بخش دیگر نیز گسترش یافته و مانع بزرگی برای اهداف این کشور در صحنه بین الملل خواهد بود.

دوازدهم مهرماه ۱۳۹۴

باینگتون - روزنامه اگزامینر به شهادت شاهدان عینی: پاپ فرانسیس به کودکان تجاوز کرد و آنها را کشت؛ اسناد محرمانه، مهر و موم شده واتیکان پرده از مراسم شیطانی آنها را برمی دارد. ماه گذشته من گزارش می دادم که پاپ فرانسیس، یسوعیون ها و کلیسای انگلستان به دلیل قاچاق کودکان نسل کشی محاکمه خواهند شد. هم اکنون ملکه انگلستان در یک محاکمه قبلی مجرم شناخته شد. در اینجا چگونگی محاکمه ای که در حال وقوع است را ملاحظه کنید.

این مقاله براساس مصاحبه اختصاصی امروز با کوین انت از دادگاه بین المللی برای رسیدگی به جنایت کلیسا و دولت در دعوی قضایی این هفته در دادگاه عمومی قانون عدالت که واقع در بروکسل بود. (۱) تعداد پنج قاضی و تعداد ۲۷ هیئت منصفه از شش کشور، از جمله ایالات متحده با مدرک در مورد ۵۰۰۰۰ کودک مفقودالاثر کانادایی، آمریکایی، آرژانتینی، و اروپایی که قربانی مظنون از یک آئین دینی بین المللی وابسته به قربانی کودک، منسوب به حوزه نهم بودند، مطرح شد.

دو زن نوجوان ادعا کردند که پاپ فرانسیس به آنها تجاوز کرده است هنگامی که در مراسم ذبح کردن یا قربانی کردن کودکان شرکت کرده بودند. هشت تن از شاهدان عینی در این هفته با توجه به سند ارائه شده در دادگاه عمومی قانون عدالت بروکسل شهادت دادند.

حوزه نهم مراسم شیطانی ذبح کودک گفته شده بود که در طول بهار ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در مناطق روستایی هلند و بلژیک انجام گرفت است.

پاپ فرانسیس هم چنین در مراسم شیطانی قربانی کودک هنگامی که به عنوان کشیش و اسقف آرژانتین فعالیت می کرد، مرتکب جنایتی شده است، و این اطلاعات با توجه به سوابق به دست آمده از آرشیو واتیکان می باشد. یک مقام برجسته واتیکان و کارمند سابق واتیکان اسناد مهر و موم شده و محرمانه واتیکان را برای ارائه به دادگاه به دست آورد. براساس خبر گزارش داده شده ای بی سی، این اولین بار نبود که فعالیت های مشکوک شیطانی در واتیکان صورت گرفته بود. (۲) شاهد دیگری قرار شد شهادت دهد که آنها در طول ملاقات های پاپ فرانسیس با دولت نظامی (هوندا) آرژانتین طی جنگ های کثیف در سالهای ۱۹۷۰، همراه بودند. به گفته این شاهد، پاپ فرانسیس در معامله یا تجارت غیر قانونی کودکان مفقودالاثر،

برزینسکی: ... بقیه از صفحه آخر

حرکت جسورانه ای برای نفوذ دینامیکی خود بر روی زمین انجام می دهد، و کسی نمی تواند همین مورد را به ایالات متحده نسبت دهد.

همین کارشناس معتقد است که روسیه خاور میانه را از چنگ آمریکا در خواهد آورد. جف وایت به جریانه های محرمانه داخلی گفت: «روسها اهمیتی نمی دهند که ما چه فکر می کنیم. آنها یک طرح روشنی دارند - و آنها میروند که آنرا انجام دهند. آنها ایالات متحده را مستقیماً به چالش کشیدند که پاسخ دهد، و آنها دارند از ضعف آمریکا در آن منطقه به نفع خود بهره برداری می کنند. روسها براساس برنامه تعیین شده خود عمل می کنند، یعنی با اهداف خود، و آنها می دانند که چه می خواهند بدست بیاورند.» «مشاوران روسای امپریالیستها بیشتر از اینکه آنها یاباید باهم توافق کنند در منطقه ای و یا رقابت جهت قرارداد آن منطقه در حیطه ی نفوذ خود، فکرشان کار نمی کند و درمورد سوریه اگر مداخله نظامی روسیه باعث تضعیف و یا شکست نفوذ داعش شود، این امر مثبتی است که دست یک ارتجاع تامغز استخوان ضدانقلابی را از افتادن به جان مردم فقیرنجات داده و فرصتی برای آنها به وجود می آید تا درمورد کسب استقلالشان از دست مرتجعان داخلی سوریه فرصتی به دست آورند چونکه روسیه ارتشی در سوریه ندارد. اما این هم در حد احتمال ضعیف است» (هیئت تحریریه رنجبر).

پنجشنبه ۲۳ اکتبر ۲۰۱۴، توسط جودی

در جنبش جهانی کمونیستی بقیه از صفحه آخر

برای توسعه اقتصادی و ایجاد زیر ساخت ها در جذب سرمایه گذاری های خارجی است. از این روی اعتصابات کارگری در بخش معدن به ویژه معادن ذغال سنگ مانعی در راه ثبات سیاسی و اقتصادی این کشور است. به گفته کارشناسان اکثر معادن در این کشور توسط شرکت های خارجی و با سرمایه گذاری آنها به بهره برداری رسیده است و به دلیل شرایط سخت اقتصادی و بیکاری در آفریقایی جنوبی، بسیاری از جوانان به عنوان کارگر در شرایط سخت در این معادن مشغول به کار هستند.

کار در شرایط سخت با دستمزد پایین همواره موضوع اعتراضات کارگری در این بخش بوده است تا جایی که در برخی اعتراضات نیروهای پلیس به مقابله با معترضان پرداخته است. در اعتراضات کارگران معادن در سال ۲۰۱۲، ۳۴ معدنکار در شلیک پلیس جان باختند. اگرچه آمارها ناشی از افزایش رشد اقتصادی و بهبود شرایط اقتصادی در این کشور است اما شهروندان این کشور در شرایط مساعد اقتصادی قرار ندارند و بسیاری از آنها به نابرابری توزیع ثروت معترضند. چند هفته پیش نیز این کشور صحنه تظاهرات معترضان به فساد در این کشور بود.

معترضان با سر دادن شعارهایی، خواستار مقابله دولت با بی عدالتی اجتماعی و فساد جاری در این کشور به ویژه در بخش مالی و اقتصادی شدند؛ به طوری که رییس جمهوری این کشور بار دیگر قول داد با فساد



متعلق به زندانیان سیاسی به یک باند بین المللی در بهره برداری از کودکان توسط دفتری در واتیکان کمک می کرد. مدارک و شواهد از یک سند حواله یسوعیون (جزوویتس) کاتولیک به نام « حق ویژه آمرانه » در دادگاه توسط دادستان کل ارائه شد. در مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۶۷ ، گفته شده که نشان دهد تمام پاپ های جدید باید در حوزه نهم مراسم شیطانی ذبح کودکان نوزاد موقع آشامیدن خون آنها شرکت کنند. دادستان کل به پنج قاضی بین المللی و ۲۷ نفر از هیئت منصفه گفت ، « اسنادی که از آرشیو مخفی واتیکان به دادگاه ارائه داده شده ، به وضوح نشان می دهد که برای قرن ها یسوعیون یک طرح با برنامه ریزی برای قتل اطفال نوزاد ربوده شده در تشریفات مذهبی داشتند که بعد خون آنها را می آشامیدند. » « این طرح مولود یک مفهوم پیچیده ایست، برای استخراج قدرت معنوی از نیروی حیاتی یک بی گناه، در نتیجه حصول اطمینان از ثبات سیاسی برای قلمرو پاپ در رُم می باشد. این اعمال نه تنها نسل کشی است بلکه، سیستماتیک و نهادینه شده در طبیعت است. از زمانی که حد اقل از سال ۱۷۷۳ ، به نظر می رسد که توسط کلیسای کاتولیک رُم، یسوعیون و تمام پاپ ها این مراسم را انجام می داده اند. »

دو شاهد ادعا کردند که در زمان کودکی آنها در مراسم قربانی اطفال با پاپ سابق، جوزف راتزینگر شرکت کرده بودند. از تاریخ حد اقل سال ۱۹۶۲ ، جوزف راتزینگر به عنوان یک عضو شوالیه تاریکی با توجه به سوابق ارائه داده شده به دادگاه در مراسم قربانی اطفال شرکت کرده است. جوزف راتزینگر دستیار کشیش اس اس (نازی) در اردوگاه زندانیان، واقع در راونسبرگ در آلمان در طی جنگ جهانی دوم بود.

اطفالی که قرار بود در این مراسم کشته بشوند از همین اردوگاه مرگ بدست می آمد. نازی وافن اس اس، بخش شوالیه تاریکی توسط هیتلر در سال ۱۹۳۳ تأسیس شد و اعتقادات نهفته بت پرستان غیبی باستان در قربانی کردن انسان شامل می شد.

یک نفر هندی متخصص درمان شناسی به نام توس نجنهویس، بازمانده مراسم تشریفات مذهبی، به شهود قربانی اطفال در این ویدیو شهادت داد:

دادستان کل گفت، « بازماندگان این مراسم توصیف می کنند که نوزادان تازه متولد شده ، در محراب (قربانگاه) سنگی قطعه قطعه می شوند و شرکت کنندگان از این قطعات می خورند ». « در طول سالهای

۱۹۶۰ ، شهود بازمانده مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند و مجبور به انجام قطع اعضای بدن دیگر کودکان شدند و سپس با خنجر مخصوص این نوع مراسم گلوی کودکان را می بایست می بردند. »

به گفته این شاهدان، پاپ فرانسیس، پاپ اسبق، جوزف راتزینگر، یسوعیون متصدی کل، ادالفو پچان و اسقف وابسته به کلیسای (انگلیس) کانتربری، جاستین ولبی از شرکت کنندگان در تجاوز جنسی با آئین دینی و قتل اطفال در حوزه نهم مراسم شیطانی ذبح اطفال نوزاد بودند.

مدارک و شواهد می تواند ارتباط مستقیم قاضی عالی دادگاه بریتانیا، فولفورد، عضو خاندان سلطنتی بریتانیا از جمله شاهزاده فیلیپ، کاردینال هندی، الفردینک، ملکه هلندی، فیلهمینا، خانواده این ملکه و همسر پادشاه هندریک، خاندان سلطنتی بلژیک و بنیانگذار بیلدربرگ، ولیعهد برنهارد را با مراسم آئین دینی مرتبط می سازد.

اسناد از روزنامه کانادایی گزات شماره ۲۳۲ ، ۲۶ دسامبر ۱۹۴۲ ، منتشر شده در اتوا نیز به دادگاه ارائه شد. بدیهی است و متأسفانه، دولت کانادا و دفتر شورای خبرگان در لندن، به اعضای خاندان سلطنتی هلند از تمام حوزه قضائی کیفری، چه مدنی و چه نظامی با مصونیت مورد استثناء قرار گرفتند. چه چیز است که این رهبران جهانی را از عدالت معاف می کند؟

دادستان کل ارتباط بین انگلیسی ها، خاندان سلطنتی هلند و بلژیک با ناپدید شدن نهایی کودکان موهاک در کلیسای کانادا از مدرسه مسکونی هندی واقع در برنتفورد، آنتورپا در انگلیس ارائه داد. در سال ۲۰۰۸ ، یک گور دسته جمعی کودکان در مدرسه موهاک کشف شد. یک حفاری توسط باستان شناسان "دادگاه بین المللی جرم کلیسا ها و دولت"، زمانی که اعضای بدن کودک کشف شد فوراً بسته شد. از آن زمان به بعد بیش از ۳۰ گور دسته جمعی (۳) در مدارس مسکونی هندی ها در سراسر کانادا شناسایی شده (۴). کلیساهای کاتولیک و آنهائیکه وابسته به کلیسای انگلیس هستند، کلیسای متحد کانادا، دولت کانادا و پادشاهی انگلستان از درخواست های مکرر "دادگاه بین المللی جرم کلیسا ها و دولت" به منظور حفاری گورهای دسته جمعی انصراف کردند.

دادستان کل گفت: « این هفته شواهد قطعی ارائه داده شد که کلیسای کاتولیک مرتکب جنایت علیه کودکان شده، »، کلیسای کاتولیک بزرگترین شرکت در جهان است و به نظر می رسد در تبنای با دولت، پلیس و

دادگاه های سراسر جهان می باشد. » گفته شده است، حوزه نهم مراسم شیطانی ذبح اطفال نوزاد در کلیسای کاتولیک رومی در مانتريال، نیویورک، روم و لندن با توجه به شواهد ثبت شده در دادگاه انجام می گیرد. به ادعای شاهدان عینی قربانی کودکان در قصر کارنوان واقع در ویلز، یک قصر بیلاقی نا معلوم فرانسوی، کلیسای کاتولیک کانادائی و در مدارس مسکونی هندی وابسته به کلیسای انگلیس واقع در کمپوس، بریتیش کلمبیا و برانتفورد، آنتورپا انجام می گرفته است. به باور همین شاهدان، حوزه نهم مراسم شیطانی ذبح اطفال نوزاد از جنگل های درختستانی خصوصی در ایالات متحده، کانادا، فرانسه و هلند استفاده می کردند. دیروز پنج قضات دادگاه بین المللی به مدت دو هفته دادگاه را به تعویق انداختند و تصمیم بر این شد که در جلسات درب بسته انجام گیرد. دادگاه بسته این هفته در یک مکان نا معلوم به علت اختطاری که واتیکان در مورد رها سازی یک «گروه ضربتی» یسوعیون برای از هم پاشیدن این اقدامات داده بود، انجام گرفت..



پرسش ها و پاسخ ... بقیه از صفحه آخر:

، بلکه هدف نهائی تسخیر و کنترل نظامی کلیه کره خاکی از سوی آمریکای بلامنازع بود. به عبارت دیگر ، آمریکا با پیاده کردن سیاست " جهانی تحقق دکترین مونرو (تبدیل مناطق ژئوپولتیکی - سوق الجیشی جهان به حیاط های خلوت آمریکا) خواست که سیاست جهانی خود را تحت نام "منافع ملی آمریکا" (به واژه امروز "اجماع واشنگتن") بر شرکا و متحدین دیکته کرده و سپس با تحدید و محاصره شوروی و چین تسلط نظامی خود را بر جهان تنظیم کند. نکته اصلی این پروژه بر آن است که منافع ملی آمریکا مافوق منافع ملی تمامی کشورهای جهان (منجمله منافع ملی دیگر کشورهای امپریالیستی) است.

-ولی بررسی وقایع سیاسی جهان در بحبوحه آغاز دوره جنگ سرد منجمله عکس العمل خلق ها و دولت های جهان در مقابل پروژه جهانی آمریکا نشان می دهد که در آن دوره طبقه حاکمه آمریکا در مقابل این عکس العمل ها پیاده کردن پروژه جهانی سازی "دکترین مونرو" را به تعویق انداخت. نگارنده در نوشتارهای پیشین به تفصیل به تجزیه و تحلیل این عکس العمل ها و



مقاومت ها در مقابله با جهانی سازی دکرترین مونروی آمریکا پرداخته است. در اینجا برای تسهیل این پاسخ ، به طور اجمالی به اهم این مقاومت ها اشاره می شود:

- ۱- عروج اتحاد جماهیر شوروی به مقام یک ابرقدرت جهانی در طول دوره جنگ سرد.
- ۲- عروج شارل دوگل و گلیسم در فرانسه به چالش طلبیدن آمریکا در پیاده کردن سیاست آتلانتیسم (ایجاد اتحادیه اروپای وابسته به آمریکا).

- ۳- فراز امواج جنبش های رهائی بخش در جهت استقلال از یوغ استعمار کهن در آسیا و آفریقا در دوره کنفرانس باندونگ و جنبش کشورهای غیر متعهد در سال های ۱۹۷۵-۱۹۵۵ برخورداری آنان از حمایت های همه جانبه شوروی، چین، آلبانی، یوگسلاوی و کوبا.

- ۴- فراز امواج جنبش های اصیل کارگری در اروپای غربی آتلانتیک به ویژه در سوئد، فرانسه، ایتالیا، آلمان و... و حمایت آنها از جنبش های رهائی بخش کشورهای جهان سوم.
- ۵- ظهور و رشد چین توده ای در صحنه بین المللی و ایفای یک نقش مهم به عنوان پلی مستحکم بین جنبش های رهائی بخش ملی در آسیا و آفریقا و جنبش های کارگری در اروپای غربی (رجوع کنید به فیلم لاشینواز چینی به کارگردانی ژان لوک گودار محصول سینمای ۱۹۷۱ فرانسه).

- در پرتو این شرایط نیروهای امپریالیستی (به ویژه آمریکای هژمونیکست) نه تنها مجبور به عقب نشینی موقتی گشته و تعبیه و تنظیم برنامه جهانی سازی دکرترین مونرو را به تعویق انداختند بلکه به دادن حتی امتیازات نیز تن دادند . با عطف به گذشته و در یک منظر تاریخی به روشنی می توان دید که در دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم سیاست جهانی آمریکا بر اساس پذیرش "همزیستی مسالمت آمیز" با کشورهای واقع در "بلوک شرق" به ویژه شوروی و چین که تحت کنترل نظام جهانی سرمایه نبودند ، از یک سو و پذیرش شرکت و درگیری کشورهای متنوع و متعدد آفریقا و آسیا در نهادهای بین المللی متعلق به نظام جهانی سرمایه ، از سوی دیگر منجر به شکلگیری و رشد شکل جدیدی از امپریالیسم سه سره گشت .

- بدون تردید ورود پروسه جهانی گرایی (گلوبالیزاسیون) به فاز جدیدش (گسترش بازار آزاد نولیبیرالی) در سال های آغازین دهه ۱۹۸۰ پایه های امپریالیسم سه سره و در راس آن آمریکا را در سطح جهانی تقویت کرد. ولی آن عواملی که در تقویت

و قدرقدرتی امپریالیسم سه سره (آمریکا ، اتحادیه اروپا و ژاپن) نقش های اساسی به ویژه در دهه های ۸۰ و ۹۰ قرن بیستم ایفاء کردند همانا اخته گشتن جنبش های اصیل سوسیال دموکراتیک کارگری در اروپای غربی، فرود و اضمحلال دولت های جهان سومی منبعث از جنبش های رهائی بخش ملی و مهم تر از همه فروپاشی و تجزیه کشور شوروی و تبدیل چین توده ای به یک کشور سرمایه داری بودند که نگارنده در گذشته به تفسیر علل اساسی شکست و سقوط این چالش ها و ستون های مقاومت پرداخته است . در واقع بعد از شکست و نابودی این چالشگران و ستون های مقاومت در دوره ۱۹۹۱ - ۱۹۷۵ بود که راس امپریالیسم سه سره آمریکا ترغیب گشته و پروژه جهانی خود (جهانی ساختن دکرترین مونرو) را در اکناف جهان با تمرکز و تاکید در خاورمیانه بزرگ و به قول نومحافظه کاران خاورمیانه جدید در سال های آغازین قرن بیست و یکم پیاده کرد. پرسش ششم: برنامه جهانی راس نظام از طریق کدام محمل های سیاسی و نظامی در اکناف جهان به ویژه در خاورمیانه به پیش برده شد ؟

پاسخ :

- شکست و سقوط چالشگران و ستون های مقاومت اجازه داد که پروژه جهانی راس نظام با تمام قدرت از طریق اعمال سیاست های "تلاقی تمدن ها" در آسیا و آفریقا به ویژه در خاورمیانه نوین از یک سو و سیاست های "انقلابات رنگین" در اروپای شرقی از یوگسلاوی ۱۹۹۰ گرفته تا اوکراین و مقدونیه در اواسط دهه ۲۰۱۰، از سوی دیگر به پیش برده شود. بدون تردید این پروژه که از تاریخ شکلگیری اش نزدیک به ۲۶ سال (از ۱۹۹۱ پایان دوره جنگ سرد تاکنون اواخر ۲۰۱۵) می گذرد پیوسته در خدمت اعضای اصلی امپریالیسم سه سره بوده ولی باید به این نکته اساسی اشاره کرد که در سال های اخیر در پرتو تلاطمات و فعل و انفعالات سیاسی و نظامی بر سر سیاست های راس نظام اختلافاتی بین آمریکا و شرکا در مورد حدود و ثغور گسترش جهانی سازی دکرترین مونرو (چند بار تکرار شده ..) بروز کرده که نگارنده بعدا به ابعاد و کیفیت این اختلافات خواهد پرداخت . به هر رو بررسی وقایع بزرگ بین المللی از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۱ و جنگ یوگسلاوی در طول دهه ۱۹۹۰ تا جنگ های افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) و لیبی (۲۰۰۹) نشان می دهد که اعضای اصلی و مرکزی امپریالیسم سه سره با اعمال اصول بازار آزاد نولیبیرالیسم

و گسترش سیاست های خصوصی سازی و "ریاضت کشی" (البته تحت نام تعادل ساختاری) تقریبا کلیه کشورهای در بند پیرامونی و نیمه پیرامونی را در عرض ۲۵ سال گذشته بیش از هر زمانی در گذشته مورد هجوم و تاراج قرار داده اند .

- برای رسیدن به هدف نهائی خود (اعمال سلطه بلامنازع نظامی در کره خاکی) راس نظام تلاش می کند که با جهانی سازی دکرترین مونرو (تبدیل حداقل ۹ منطقه استراتژیکی - ژئوپولیتیکی جهان به حیاط خلوت آمریکا) به کسب سه هدف آتی و کوتاه مدت نایل آید: هدف های کوتاه مدتی که اگر از سوی راس نظام کسب گردند کسب هدف دراز مدت نظام را تضمین و تامین می سازند. این هدف های آتی عبارتند از:

- ۱- ادامه و تامین وابستگی و عبودیت اعضای اصلی و مرکزی درون امپریالیسم سه سره به قدرقدرتی و سیطره بلامنازع نظامی آمریکا

- ۲- تضعیف روسیه و تجزیه آن به کشورهای گوناگون به مدل اتحاد جماهیر شوروی و سپس یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰. طبقه حاکمه روسیه برای مدتی بعد از فرو پاشی و تجزیه شوروی بر این باور و توهم بود که زندگی مسالمت آمیز با نظام جهانی سرمایه (مثل ژاپن و آلمان و...) بعد از پایان جنگ جهانی دوم، شرایط را برای ایجاد جهان بهتری برای آنها فراهم خواهد ساخت. یکی از علل این توهم بزرگ این بود که دولتمردان روسیه به کلی فراموش می کردند که علت اصلی حمایت های همه جانبه آمریکا از دشمنان سابق خود (آلمان و ژاپن) دقیقا به خاطر این امر بود: بهبودی و تقویت اقتصادی و نظامی آنها. در مقابل چالش های اتحاد جماهیر شوروی ایستادگی کند. جای خوشوقتی است که امروز بعد از گذشت ۲۵ سال از آغاز دوره بعد از پایان جنگ سرد دولتمردان روسیه پوتین از توهم بیرون آمده و به قدر کافی به این امر پی برده اند که تضعیف روسیه و تجزیه آن هدف آتی راس نظام یعنی "تحدید چین" در جهت رسیدن به هدف آتی و درازمدت آمریکا (تسلط بلامنازع نظامی راس نظام بر کلیه کره خاکی) است. مضافا پروژه های نظامی چین در اقیانوس آرام به ویژه در ارتباط با جزایر واقع در بخش جنوب دریای چین و اعلام دفاع از منافع اقتصادی و تمامیت ارضی خویش در مقابل "عملیات تحریک آمیز" بعضی از همسایگانش (مثل فیلیپین) حاکی از آن است که چین نیز مثل روسیه در صدد است که از مواضع





مسالمت آمیز خود با آمریکا دست برداشته و در مقابله با سیاست های جهانی گرائی دکتترین مونرو راس نظام در مرزهای چین به ویژه در دریای چین، دست به ایستادگی های حتی دفاعی و نظامی بزند. - به طور کلی، تلاطمات نظامی و فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی از کشورهای خاورمیانه بزرگ گرفته تا اوکراین و دیگر کشورهای اروپای شرقی از یک سو، تقویت و گسترش سازمان ها و گروه های همبستگی اقتصادی - تجاری (بریکس، گروه شانگهای، سازمان یورو-آسیا = جاده نوین ابریشم) به موازات حرکت های اعتراض آمیز حتی بعضی از رهبران دولت های درون اتحادیه اروپا نسبت به سیاست های نظامی آمریکا در اوکراین و خاورمیانه از سوی دیگر، نشان بر این امر هستند که احتمال ایجاد جهانی چند قطبی بیش از هر زمانی در ۲۵ سال گذشته محتمل تر گشته است.

سه نکته قابل توجه در مورد احتمال بروز جهان چند قطبی

- بدون تردید جهان در ۲۵ سال گذشته یک جهان تک قطبی نظامی بوده و هنوز هم هست. اما در عین حال ما شاهد بعضی مخالفت ها و تلاقی ها بین راس نظام و شرکا درون امپریالیسم سه سره به ویژه بر سر نظامی گری و ماجراجویانه آمریکا در سوریه، یمن، اوکراین هستیم. آیا این تلاقی ها و اختلافات موقتی و محدود مانده و یا ادامه یافته و نقش و مقام آمریکای هژمونیک را به طور جدی (البته با کمک و حمایت چین و روسیه و دیگر کشورهای نوظهور و در حال عروج) به زیر سؤال خواهند کشید؟ در پاسخ به این پرسش توجه خوانندگان را به سه نکته اساسی زیرین جلب می کنم:

- ۱- فروپاشی و تجزیه شوروی (پایان دوره جنگ سرد) در جهان چند قطبی ما، کمپانی های چند ملیتی عموماً تلاقی ها و نبردهای رقابت آمیز خود را بر سر تسخیر بازارهای ملی در سطح کشوری به پیش می بردند. ولی امروز در دوره های بعد از پایان جنگ سرد و گسترش بازار آزاد نئولیبرالیسم (فاز جهانی گرائی سرمایه) تلاقی های رقابتی بین کمپانی های چند ملیتی به تلاقی ها بین "فراملی های" محدود عمومی تر، مالی تر و جهانی تر شده (انحصارات پنجگانه) بر سر تسخیر بازاری به بزرگی این جهان تبدیل گشته و امپریالیسم در شکل و شمایل کنونی اش (امپریالیسم سه سره دسته جمعی) نیز معلول این تحویل و تحول در ساختار نظام جهانی سرمایه در ۲۵ سال گذشته (از ۱۹۹۱ تا کنون ۲۰۱۵) می باشد.

۲- هنوز هم سال ها پس از بر ملا شدن بحران ساختاری نظام جهانی سرمایه و علنی گشتن علائم روشن فرتوتی، کهولت و بی ربطی موقعیت هژمونیک راس نظام، یک گفتمان جاری در میان پست - مدرنیست ها، طرفداران تئوری تلاقی تمدن ها و صاحبان رسانه های گروهی فرمانبر بر آن است که راس نظام مثل دوران گذشته نه تنها در گستره نظامی بلکه در گستره های اقتصادی، فرهنگی، دیپلماسی و... نیز از موهبت قدردرتی و برتری جهانی برخوردار است. نگارنده برعکس حامیان این گفتمان بر این عقیده است که راس نظام به ویژه در دو دهه اخیر تنها از طریق توسل به وسایل و حربه های امنیتی - اطلاعاتی به اضافه تولید تسلیحات کشتار جمعی توانسته از مزیت نسبی و قیاسی در بازارهای جهان برخوردار گردد. واقعیت این است که امروز مزیت نسبی و برتری قیاسی مطلقاً و تنها از بخش تولید تسلیحات کشتار دسته جمعی می تواند برآورد گردد زیرا این بخش عموماً خارج از قوانین حاکم بر بازار عمل کرده و از حمایت اولیگارشی حاکم بهره مند است. به عبارت دیگر راس نظام در همان زمانی که قوانین حاکم بر بازار آزاد نئولیبرالیسم را در سراسر جهان منجمله بر شرکاء و متحدینش اعمال می کند خودش آن قوانین را روزانه زیر پا می گذارد.

۳- با اینکه آمریکا و شرکای متحدش در چهارچوب امپریالیسم دسته جمعی سه سره دارای منافع مشترک در مدیریت جهانی به ویژه در تاراج منابع طبیعی و استثمار نیروهای کار در ۲۵ سال گذشته بوده و هنوز هم هستند. ولی روند اوضاع رو به رشد در جهان پراز تلاطم نشان می دهد که تلاقی های بالقوه جدی بین راس نظام و شرکا (آلمان و فرانسه و...) بر سر ادامه سیاست های ماجراجویانه نظامی آمریکا در خاورمیانه بزرگ و "اروپای نوین" (اوکراین، لهستان و...) در سال های اخیر از ۲۰۱۱ تاکنون ۲۰۱۵ بروز کرده و رشد یافته اند که حائز اهمیت می باشند. به نظر این نگارنده احتمال پیشرفت محور یورو-آسیا (که نقداً به عنوان یک کابوس وحشتناک خواب را بر صاحبان انحصارات پنجگانه و اولیگارشی فرمانبر راس نظام حرام کرده است) بیش از هر زمانی در ۲۵ سال گذشته دوره بعد از جنگ سرد به یک واقعیت عینی تبدیل گشته است.

نتیجه اینکه

۱- همکاری ها و تبانی ها به موازات رقابت ها و تلاقی ها بین شرکای درون امپریالیسم سه سره برسر کنترل جنوب

- تاراج منابع طبیعی و ابر استثمار نیروهای کار و زحمت خلق های درون جنوب - را می توان از زوایا و ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد. نگارنده در این جمع بندی به سه نکته مهم اشاره می کند که فوق العاده حائز اهمیت هستند.

۲- نظام جهانی سرمایه داری (امپریالیسم سه سره دسته جمعی) به هیچ وجه و نوعی کمتر از اجدادش (امپریالیسم متکثر و چند گانه دوره های پیش از آغاز دوره بعد از پایان جنگ سرد) ضد کارگر، ضد دیگر زحمتکشان و ضد خلق های کشورهای در بند پیرامونی جنوب، نیست. بلکه در واقعیت در دوره قدردرتی نظام سه سره امپریالیسم، جهانیان برخلاف ادعاهای بخشی از پست - مدرنیست ها بیش از پیش مورد هجوم و تاراج کشورهای مسلط مرکز (جی ۷) قرار گرفته و بیش از ۱۰ کشور در مناطق پیرامونی و نیمه پیرامونی جهان به ملت - دولت های درمانده تبدیل گشته و قربانی سیاست های "تلاقی تمدن ها" و "انقلابات مخملی و رنگین" راس نظام قرار گرفته اند.

۳- بررسی تاریخ سرمایه داری در پانصد سال گذشته نشان می دهد که حرکت سرمایه پیوسته جهانی گرا بوده و این روند در عصر سرمایه داری انحصاری (از ۱۸۸۰ به این سو) بوسیله پدیده امپریالیسم در شکل و شمایل گوناگون، تشدید و تعمیق یافته است. شکل و شمایل امپریالیسم در فاز فعلی گلوبالیزاسیون (بازار آزاد نئولیبرالی) همانا امپریالیسم دسته جمعی سه سره است که توسط حامیان نظام و رسانه های جاری فرمانبر به نام کشورهای جی ۷ نامیده می شوند.

۴- امپریالیسم سه سره که بعد از پایان دوره جنگ سرد و فروپاشی و تجزیه شوروی قوتمند تر و هارتر گشت با اشاعه تلاقی تمدن ها و انقلابات مخملی تلاش کرد که با پیاده کردن جهانی سازی دکتترین مونرو مناطق ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیکی جهان را به حیاط های خلوت راس نظام تبدیل سازد. خاورمیانه بزرگ (شامل کشورهای جنوب غربی آسیا، جمهوری های قفقاز و آسیای مرکزی به اضافه کشورهای شمال آفریقا) از موقعیت ویژه و مهم ژئوپولیتیکی - استراتژیکی در محاسبات حامیان و معماران جهانی سازی دکتترین مونرو برخوردار است. منطقه ای که مضمون اصلی پرسش و پاسخ هفتم را در شماره بعدی این نشریه، تشکیل می دهد.

ن.ناظمی - مهر ۱۳۹۴



در جنبش جهانی کمونیستی کارگری و زنان

آفریقای جنوبی

در آستانه اعتصاب کارگری

۳۰ هزار کارگر بخش معدن ذغال سنگ در آفریقای جنوبی در پی شکست گفتگوهای مربوط به دستمزد با شمار زیادی از شرکت ها از جمله شرکت بزرگ سونسی گلنکور قرار است امروز بار دیگر دست به اعتصاب بزنند.

به گزارش ۱۲ مهر آریا، این چندمین اعتصاب کارگران معدن ذغال سنگ در این کشور طی چند سال گذشته است. اعتصابات

کارگران معدن ذغال سنگ در سال ۲۰۰۸ این کشور را تا مرز بحران پیش برد و تامین انرژی را در این کشور مختل کرد. بخش معدن از جمله بخش های مهم و زیربنایی اقتصاد در آفریقای جنوبی است که به طور مستقیم حدود ۵۰۰ هزار کارگر را در اختیار دارد. این بخش تقریباً یک پنجم تولید ناخالص داخلی آفریقای جنوبی را تشکیل می دهد.

ذغال سنگ، طلا و پلاتین سه معدن مهم آفریقای جنوبی هستند که علاوه بر مصرف داخلی بخش عمده ای از صادرات این کشور

را تشکیل می دهند و هرگونه وقفه تولید در این بخش می تواند بر کل اقتصاد این کشور تاثیر گذار باشد.

آمارها نشان می دهند طی سال های گذشته اعتراضات کارگری در این بخش کاهش رشد اقتصادی و کاهش صادرات این کشور را در پی داشته است با این حال ذغال سنگ در این کشور اهمیت ویژه ای دارد زیرا علاوه بر صادرات، بخش بزرگی از انرژی برق را در این کشور تامین می کند.

به گفته کارشناسان تامین انرژی الکتریکی از مهمترین چالش های کشورهای این قاره

برژینسکی: روسیه در سوریه، در واقع اعتبار آمریکا را بمب باران می کند

به حملات هوایی بر ضد "عناصری" که از حمایت آموزشی و تجهیزاتی آمریکا برخوردارند را انجام داده است.

برژینسکی نتیجه گیری می کند که روسیه و آمریکا باید مشترکاً در حل و فصل بحران سوریه باهم تلاش کنند. او معتقد است که این امر به توسعه و بهبود این وضعیت کمک خواهد کرد.

برطبق اظهار جف وایت، کارشناس نظامی و افسر سابق آژانس اطلاعات دفاعی، مسکو

سوریه حمایت کند.

برژینسکی که به عنوان مشاور امنیت ملی برای رئیس جمهور آمریکا، جیمی کارتر خدمت می کرد گفت: «در عوض مسکو با اراده خودش مداخله نظامی در سوریه را بدون همکاری سیاسی و تاکتیکی با ایالات متحده دنبال کرد که - یک قدرت بزرگ خارجی هر چند نه خیلی مؤثر، مستقلاً تصمیم گرفته تا بشار اسد را از این وضعیت نجات دهد به علاوه، روسیه احتمالاً شروع

خبرگزاری پرآوا، ۵ اکتبر ۲۰۱۵ زبگنیو برژینسکی اظهار داشت که روسیه باید به ائتلاف ضد تروریستی آمریکا بپیوندد. طبق اظهار برژینسکی، ایجاد سرخود ائتلاف ضد تروریستی روسیه، اعتبار آمریکا را در خاور میانه به خطر می اندازد. برژینسکی هم چنین گفت که همکاری بین روسیه و آمریکا اغلب اوقات در گذشته به نتایج مثبت منجر شده است. بنابراین، مسکو باید به طور کامل از طرح های ایالات متحده در

پرسش ها و پاسخ های قابل بحث (بخش چهارم)

یک نقش تعیین کننده به بُعد نظامی آمریکا (که در آن زمان موقعیت هژمونیکی در جهان کسب کرده بود)، قائل گشت. بر این اساس طبقه حاکمه آمریکا با پیشبرد یک استراتژی جهانی نظامی کلیه کره خاکی را به مناطق مهم ژئوپولتیکی تقسیم کرده و کنترل هر یک از آن مناطق را در اختیار فرماندهان نظامی آمریکا، قرار داد. هدف آمریکا از تنظیم و اعمال این پروژه جهانی فقط تحدید و محاصره شوروی و چین نبود

و شبه کودتای قضائی سال ۲۰۰۱ زمام امور را در کاخ سفید بدست گرفتند، تعبیه و تنظیم نگشت. پیشینه شکلگیری این برنامه و پیشبرد آن که امروز هارتر و جنایت بارتر از دوره های گذشته در اکناف جهان از طریق جنگ های مرئی و نامرئی ساخت راس نظام آمریکا پیاده می گردد، به سال های بلافاصله بعد از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۴۹) می رسد.

- این پروژه جهانی از اوآن موجودیت اش

پرسش پنجم: برنامه جهانی راس نظام جهانی سرمایه (گلوبالیزاسیون "دکترین مونرو") در چه زمانی از سوی طبقه حاکمه آمریکا تعبیه و تنظیم گشت و اهداف آئی و آتی آن در حال حاضر کدامین هستند؟

پاسخ:

- برنامه جهانی طبقه حاکمه آمریکا (جهانی ساختن دکترین مونرو) صرفاً در زمان ریاست جمهوری جورج بوش پسر و حامیان نومحافظه کارش که بعد از انتخابات مرموز

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A

آدرس پست الکترونیکی نشریه رنجبر:

ranjbar.ranjbaran@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

ranjbaran.info@yahoo.com

آدرس غرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org